

نگاهی نو به منابع کهن: در جست‌وجوی آثار و احوال ناصر کبیر^۱

محمدعلی صالحی*

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۵]

چکیده

ابومحمد حسن بن علی، ملقب به ناصر للحق، از امامان قدر اول زیدیه، به علم و تقوا و عدالت شهره آفاق بوده است. درباره آثار و احوال ناصر کبیر مطالب بسیار نگاشته شده که مستند بیشترشان نقل گزارش‌های دیگران، همراه با برداشت‌های متفاوت بوده است. در این نوشتار با نگاهی نو، آثار فراوان ناصر کبیر، همراه با نقل کوتاهی از آنها مستندسازی شده و نکات تازه‌ای از شرح حال وی را برجسته کرده‌ایم. اکثر قریب به اتفاق مطالب این نوشتار با تمرکز بر مخطوطات زیدیه، به‌ویژه نسخه‌های *الإبانه*، تنظیم شده و در مجموع نزدیک به ۲۰۰ اثر برای ناصر للحق در این نوشتار گزارش کرده‌ایم. در توضیح برخی از آثار به مطالبی درباره مذهب وی نیز اشاره شده است.

کلیدواژه‌ها: زیدیه، ناصر کبیر، احوال و آثار، نسخه‌های *الإبانه*، کتاب‌شناسی.

۱. برگرفته از: محمدعلی صالحی، روش‌شناسی و مبانی فقه زیدیان ناصری با محوریت *الإبانه* به ضمیمه تصحیح دو کتاب *الطهاره و الصلاة*، رساله دکتری، استاد راهنما: هادی نصیری، دانشکده شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران، ۱۴۰۰.

* دانش‌آموخته دکتری فرقه‌های شیعه، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران m.salehi.af@gmail.com

مقدمه

علم فهرست آثار مؤلفان به سبب فواید بسیار مهمش از گذشته‌های دور تاکنون در بین مسلمانان، به‌ویژه شیعیان، محل توجه بوده است. یکی از مهم‌ترین فواید آن بازگوکردن کارنامه علمی اشخاص و پیشینه علمی موضوعات مختلف است. فهرست آثار شخصیتی مانند ناصر کبیر، که در بسیاری از علوم زمانه‌اش سرآمد و صاحب اثر بود، به‌تنهایی مهم است و تاریخ علم در ایران و شیعه و زیدیان شمال محسوب می‌شود و اگر به دیگر زوایای شخصیتی ناصر، مانند مذهب وی، نقش او در گسترش اسلام، حسینی‌بودن، میدان‌داری و چابک‌سواری چنین اهل قلمی، توجه کنیم اهمیتش مضاعف می‌شود. در این نوشتار فهرستی کوشیده‌ایم علاوه بر ثبت عنوان کتاب، مطلبی هرچند کوتاه از آن کتاب ذکر کنیم. بسیاری از مطالب این نوشتار سه‌بخشی برگرفته از منابع دست‌نویس است و نکات مربوط به شرح حال و آثار ناصر کبیر برای خوانندگان تازگی دارد.

۱. سیری در احوال ناصر للحق

۱.۱. درآمد

شرح حال ناصر للحق در بسیاری از کتاب‌های تراجم و تاریخی، اعم از منابع زیدی همچون تتمه علی بن بلال بر المصابیح ابوالعباس حسنی، الإفادة ابوطالب هارونی و الحدائق الوردیة و در منابع امامی، به‌خصوص منابع رجالی (نجاشی، ۱۴۱۸: ۵۸؛ طوسی، ۱۴۲۰: ۳۸۵؛ اردبیلی غروی، ۱۴۰۳: ۲۰۹/۱؛ مامقانی، ۱۴۲۷: ۱۰۳/۲۰) و منابع تراجم (موسوی خوانساری، ۱۳۹۰: ۲۵۶/۲؛ افندی، ۱۴۰۱: ۲۷۶/۱-۲۹۴؛ امین‌عاملی، ۱۹۸۳: ۱۸۱/۵) و منابع تاریخی (نک: ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۸۱/۸؛ مرعشی، ۱۳۴۵: ۱۴۳) و بسیاری از دائرةالمعارف‌ها (نک: جودکی و دیگران، ۱۴۳۳: ۱۰۸/۱۰) آمده است.

به منظور پرهیز از حجیم‌شدن مقاله و به دلیل طولانی‌بودن مباحث کتاب‌شناسی که رویکرد اصلی این مقاله است، پیشینه پژوهش‌های معاصر درباره ناصر کبیر و مذهب و

نگاهی نو به منابع کهن: در جست‌وجوی آثار و احوال ناصر کبیر / ۷

میراث وی را به مقاله علی‌زاده و دیگران (۱۳۹۶) حواله می‌دهیم. جا دارد به فهرست یادشده در مقاله ایشان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد سید علی میراحمدی (۱۳۹۳) و مقاله‌ای از وی با همین مضمون در مجموعه مقالات همایش بین‌المللی ناصر کبیر و دیگر مقالات آن مجموعه را بیفزاییم. درباره تبارشناسی ناصر کبیر که در جای خود بسیار ارزشمند است، بحث مستوفا در مقاله سید علی موسوی‌نژاد (۱۳۹۴) آمده است که ضمن مجموعه مقالات همایش بین‌المللی ناصر اطروش منتشر شده است. درباره مذهب ناصر للحق نیز مطالب بسیار گفته‌اند (نک: موسوی‌نژاد و موسوی‌تنیانی، ۱۳۹۴). زیدی‌بودن مذهب ناصر از ضروریات و مسلمات این نوشتار است. در حین بررسی آثار ناصر به قراین موجود در آنها اشاره می‌کنیم. درباره آثار علمی ناصر در منابع کهن مانند فهرست ابن‌ندیم و رجال نجاشی تعداد انگشت‌شماری از آنها ذکر شده است. در برخی از پایان‌نامه‌های اخیر (نک: میراحمدی، ۱۳۹۳) با توجه به نسخه‌ای نویافته از زیدیان شمال و با عنوان قراردادی رساله فی علماء الزیدیة از مؤلفی ناشناس، فهرست بیشتری از آثار ناصر گزارش شده است. از فاخرترین پژوهش‌های اخیر درباره آثار ناصر کبیر می‌توان به مقدمه عالمانه سید محمد عمادی بر چاپ عکسی‌شده الایبانه اشاره کرد.

در این نوشتار نیز شرح حال ناصر و فهرستی از آثار وی با تکیه بر نسخه‌های الایبانه، موجود در کتاب‌خانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۲۳۵ (حائری، ۱۳۴۶: ۳۸۴/۷-۳۸۸) و با علامت اختصاری «مج»، نسخه دانشگاه تهران (دانش‌پژوه، ۱۳۵۷: ۳۱۸/۱۶) به شماره ۶۶۲۳ و با علامت اختصاری «دا» و نسخه کتاب‌خانه آیت‌الله مرعشی (حسینی اشکوری، ۱۳۷۳: ۳۰۱-۳۰۰/۲۳) به شماره ۹۱۸۹ و با علامت اختصاری «مر.» و نسخه موجود در کتاب‌خانه چستریبیتی دوبلین^۱ (آربری، ۱۹۶۲: ۱۰۹/۱) به شماره ۳۱۸۸ و با علامت اختصاری «چی» را با نمایی هرچند کوتاه از آن کتاب در چند سطر آورده‌ایم و بیشترین استفاده را از بهترین نسخه الایبانه، یعنی نسخه مجلس شورای اسلامی، کرده‌ایم. ارجاعات به نسخه مجلس شورا، بر طبق صفحه و نسخه مرعشی، طبق برگ و دو نسخه دیگر بر اساس شماره فریم نسخه عکسی موجود از آنها است.

مباحث مربوط به معرفی نسخه‌های یادشده و نکات نویافته به صورت مبسوط در مقدمه تصحیح *الإبانه* آمده است.^۲

۱. ۲. ناصر کبیر از مدینه تا دیلمان

در بررسی منابع مربوط به شرح حال امامان زیدیه و سایر مراجع تراجم و تاریخ در هیچ کتابی درباره روزگار کودکی و جوانی ناصر مطلبی به نظر نیامد. فقط می‌دانیم او در مدینه متولد شده و احتمالاً از بیم دشمنان خاندان پیامبر (ص) زندگانی مخفیانه‌ای داشته، یا طبق گزارش‌هایی که اشاره می‌کنیم بیشتر دوران جوانی‌اش را در سفر و در طلب علم سپری کرده است. تألیف صدها کتاب در فقه و حدیث و عقاید که در بسیاری از آنها احادیث نبوی و علوی و باقری و جعفری (ع) به‌وفور دیده می‌شود، بدون سفرهای متعدد و همنشینی با محدثان و متکلمان با گرایش‌های مختلف میسر نمی‌شود.

آنچه از جمع گزارش‌های پراکنده تاریخی به دست می‌آید، وی تشنه علم و دانش بوده و با توجه به نقل‌های مستقیمش از محمد بن منصور مرادی، از سران زیدیه کوفه، و گنجاندن وی در زمره اصحاب امام هادی (ع) از طرف شیخ طوسی (طوسی، ۱۴۲۰: ۳۸۵) و گزارشی از حضور وی در هنگام شهادت امام حسن عسکری (ع) و در مراسم تدفین آن حضرت (دیلمی، بی‌تا: ۶۶۳)، به‌یقین می‌توان گفت او مدتی از جوانی‌اش را در کوفه و سامرا گذرانده است و بعید نیست اشتراکات برخی عقاید زیدیه با معتزله، ناصر را به بغداد هم کشانده باشد. نام‌بردن ابن‌ندیم و نجاشی از آثار ناصر للحق می‌تواند مؤیدی بر این مطلب باشد.

گزارش دیگری از زبان ناصر للحق در آموختن نوعی آب‌تنی در مصر (مج، ۱۰۳۷؛ دا، تصویر ۴۹۴) وجود دارد و با توجه به حضور برادر او حسین بن علی مصری در مصر (موسوی‌نژاد، ۱۳۹۲: ۱۱۳) و همچنین روایت ناصر از برادر خود (ناصر اطروش، ۱۴۱۸: ۷۲) باید سفری به مصر را نیز در شرح حال ناصر للحق ثبت کرد.

نقل مستقیم ناصر للحق از احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی با تعبیر «أخبرنی احمد بن محمد بن محمد بن عیسی القمی» (همان: ۷۵) این احتمال را به ذهن می‌آورد که وی سفری

نگاهی نو به منابع کهن: در جست‌وجوی آثار و احوال ناصر کبیر / ۹

هم به قم داشته است. البته این صرفاً احتمال است و چه بسا ملاقات وی با اشعری قمی در کوفه صورت گرفته باشد. با توجه به شهره بودن احمد بن محمد بن عیسی به غلوستیزی، که با مزاج زیدیان سازگار است، و همچنین زنده بودن اشعری در زمان حضور ناصر در ایران، احتمال ملاقات ناصر با اشعری در قم بعید نیست. البته برای تقویت احتمال سفر ناصر به قم قراین دیگری مانند سفر ناصر از دیلمان به ری، و ارتباط او با علویان ری وجود دارد که اثباتشان نیاز به تحقیقی جداگانه دارد.

۱.۳. ناصر کبیر از جبال دیلم تا آمل

ناصر کبیر در زمان حکومت دو داعی کبیر، حسن و محمد، فرزندان زید بن محمد، به ایران آمده و در کنار آنها بوده است. با توجه به شواهد و قراینی که در این نوشتار می‌آید، تاریخ ورود ناصر به ایران را می‌توان دهه هفتم قرن دوم هجری تخمین زد. آن دو برادر داعی از علم و منزلت ناصر باخبر بودند و او را محترم می‌داشتند. ناصر در زمان حسن بن زید سفری به نیشابور داشته و اخبار متواتر در این زمینه رسیده است. اینکه در چه سالی نزد داعی کبیر رفته و در چه سالی و به چه منظوری عازم نیشابور شده، مثل بسیاری از بخش‌های دیگر احوالات ناصر به درستی و دقت در منابع منعکس نشده است. در گزارشی ناصر معاون و مصاحب محمد بن زید بوده و سفرش به خراسان برای دعوت مردم به محمد بن زید بوده و همین باعث دستگیری و حبسش می‌شود (مادلونگ، ۱۹۸۷: ۲۳). در گزارشی دیگر راجع به تقدم امامت ناصر بر الهادی الی الحق از امامان زیدیه یمن، از یکی از فقهای ناصری به نام فقیه ابوالرضا آمده است که دعوت ناصر بیش از ده سال قبل از دعوت یحیی، یعنی قبل از سال ۲۷۰ هجری، بوده، و در آن زمان احمد بن عبدالله خجستانی^۳ بر نیشابور حاکم بوده است. احمد بن عبدالله خجستانی از دعوت مخفیانه ناصر و پیوستن جمع بسیاری، حتی برخی از غلامان و رعایای خود به ناصر باخبر می‌شود و او را حبس می‌کند و تازیانه می‌زند (مج، ۱۰۶۲). این گزارش که دعوت ناصر در زمان حکومت حسن بن زید از نیشابور آغاز شده با گزارش‌هایی از بدگمانی محمد بن زید به ناصر و

اینکه او سودای امارت و دعوت به خود را در سر می‌پروراند همخوانی دارد (ابوطالب هارونی، ۱۴۳۵: ۱۰۲). با توجه به اینکه حکومت چندساله احمد بن عبدالله قبل از سال ۲۷۰ ه.ق. به پایان رسیده است، گزارش ابوالرضای فقیه به صواب نزدیک‌تر است و گزارش موجود در پاورقی المصابیح (حسنی، ۱۴۲۳: پاورقی ص ۶۰۲) که می‌گوید ناصر به سال ۲۷۰ ه.ق. از کوفه به دیلم وارد شده تضعیف می‌شود.

بعد از شهادت محمد بن زید به سال ۲۸۷ ه.ق. در جرجان، ناصر للحق از طریق دامغان عزم ری کرد که حکایت از ارتباط بین علویان در سه منطقه خراسان، دیلمان و ری دارد و قبل از آن نیز حسن بن زید از ری به دیلمان دعوت شده بود. جستان بن وهسودان،^۴ که در جبال دیلم حکومتی مستقل از خلافت را اداره می‌کرد، ناصر را به دیلمان دعوت، و دست بیعت به سوی او دراز کرد. ناصر از کیاست، اندکی درنگ کرد تا از بیعت جستان و پشتیبانی‌اش خاطر جمع شود. سپس دعوت او را پذیرفت و به جبال دیلم رفت و به عنوان رهبری مذهبی دعوت خود را با پشتیبانی جستان آغاز کرد. کوه‌نشینان دیلم دعوت ناصر را پذیرفتند و جستان نیز مسلمان شد (مج، ۱۹۳). کم‌کم دعوت از جبال دیلم به دشت کشیده شد (مج، ۱۹۳) و گروه بسیاری دعوت ناصر را پذیرفتند و به دین اسلام و مذهب تشیع مشرف شدند و دعوت ناصر تا گیلان گسترش یافت. کیلاکجان در ناحیه دیلمان و هوسم (مج، ۳۰) در ناحیه گیلان دو شهری بود که ناصر برای رسیدگی به امور در آنها توقف می‌کرد. طبق گزارشی در سال ۲۸۷ ه.ق. که در جبال دیلم بود نزد وهری بن شیرزاد در خان‌کیجا اقامت داشت (مج، ۱۹۳). با قدرت گرفتن ناصر در جیل و دیلم و حکم‌کردن بین مردم، جستان بنای سرپیچی گذاشت و نقض بیعت کرد، ولی دوباره تسلیم امر ناصر شد. گویا ناصر نیز حق‌شناسی کرد و جستان را بخشود. گفته شده ناصر او را دوست می‌داشت و اشعاری در رثای جستان سروده است (مج، ۲۶۰).

پس از درگیری‌های مختصر و محلی، جنگ مهم و سرنوشت‌سازی میان ناصر کبیر و احمد بن اسماعیل خراسانی، که قدرت گرفتن ناصر را تهدیدی برای خود می‌دانست، در چالوس در گرفت و لشکریان خراسانی با وجود تجهیزات و نفرات بیشتر و اتحاد با

نگاهی نو به منابع کهن: در جست‌وجوی آثار و احوال ناصر کبیر / ۱۱

صلعوک، والی آمل، شکست سختی را متحمل شدند و بیست هزار تلفات دادند (ابوطالب هارونی، ۱۴۳۵: ۱۰۵). گویا تأیید الاهی دانستن شکست دشمنان، که در *الإبانه* بدان اشاره شده، اشاره به همین نبرد چالوس باشد (مج، ۱۰۶۶).^۶ ناصر با این پیروزی آمل را فتح کرد و از هم‌داستانی آملیان با سپاه خراسانی کریمانه گذشت و به سال ۳۰۱ ه.ق. به صورت رسمی بر جیل و دیلم مسلط شد. سوگمندانه دوران طلایی حکومت اسطوره عدالت و مردم‌داری بسیار کوتاه بود و ناصر للحق در دهه آخر شعبان ۳۰۴ ه.ق. (مج، ۱۹۳)^۷ ندای حق را لیبیک گفت و در روز جمعه (مج، ۱۹۳؛ محلی، ۱۴۲۳: ۷۸/۲) در آمل به خاک سپرده شد. مزار شریفش تا کنون زیارتگاه زیدیان و شیعیان باقی مانده است.

در گزارشی دیگر تاریخ وفات او ۲۱ یا ۲۲ رمضان ۱۳۰۴ ه.ق. در ۷۴ سالگی ثبت شده (مج، ۱۰۸۳) و ابن‌ابی‌الحدید سن ناصر للحق را ۷۹ سال ثبت کرده است (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۸۵: ۳۳/۱) ولی با توجه به مطلع زیبایی قصیده‌ای که به عنوان آخرین شعر ناصر در *الحدائق الوردیه* آمده^۸ احتمال وفات او در ۷۴ سالگی به صواب نزدیک‌تر است.

۱. ۴. القاب ابومحمد حسن بن علی

«ناصر کبیر» لقبی است که سید مرتضی به نیای مادری خود داده است (شریف مرتضی، ۱۴۱۷: ۶۲). «اطروش» لقبی است که به علت آسیبی که در نیشابور یا گرگان به گوش او وارد شد، به وی داده شده و اولین منبع کهن آن *رجال نجاشی* است (نجاشی، ۱۴۱۸: ۱۳). هرچند القابی مربوط به کاستی‌های جسمی، مانند *أصم*، *أعمی* و *أعرج* در گذشته رایج بوده، ولی استعمال آن درباره امامان بعید می‌نماید. اگر گزارش موجود در *الحدائق الوردیه* مبنی بر پیش‌بینی دانیال نبی (ع) در پدید آمدن شیخی *أصم* در دیلم (محلی، ۱۴۲۳: ۵۹/۲) را صحیح فرض کنیم، این لقب قرن‌ها قبل از تولد ناصر، با تعبیر «*أصم*» به او داده شده و او با این لقب مشکلی نداشته و گاه وانمود به ناشنوایی می‌کرده است (ابوطالب هارونی، ۱۴۳۵: ۱۰۷). ابن‌ابی‌الحدید نیز تعبیر «*أصم*» را به همراه القاب دیگری چون «*صاحب‌الدیلم*» و «ناصر للحق» به کار برده است (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۸۵: ۳۲/۱).

زیدیان ناصری از او با لقب «ناصر للحق» و با تحیت «علیه السلام» یاد می‌کنند. در کتاب *الإبانه* تقریباً در آغاز هر بابی از ابواب فقهی، تعبیر «قال الناصر للحق (ع)» دیده می‌شود. با اینکه در حواشی *الإبانه* رمزنگاری برای اسامی فقهای ناصری و دیگر مذاهب، حتی برای شخصیت‌های مهم زیدیه مانند المؤید بالله و ابوطالب هارونی بسیار است و گاه باعث زحمت خواننده می‌شود ولی نام ناصر للحق همیشه کامل و با تحیت (ع) ذکر شده است. ابن شهر آشوب مازندرانی هم همین لقب را انتخاب کرده است (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۸۰: ۱۲۷).

اهتمام نویسندگان و کاتبان در آوردن تحیت برای ناصر کبیر برای هیچ یک از امامان زیدیه حتی درباره زید بن علی (ع) رعایت نشده است. زیدیان ناصری شیفته ناصر کبیر بودند، چنانچه ابوالفضل شهردویر، قرن‌ها بعد، در تفسیر کتاب *الله* از ناصر به «سید السادات و مبیید العداة» تعبیر کرده است (شهردویر دیلمی، بی‌تا: تصویر ۱۴۷).

۲. آثار علمی ناصر کبیر

۲.۱. درآمد

ناصر للحق، همان‌گونه که در میدان نبرد فرمانده‌ای میدان‌دار و چابک‌سواری چالاک بود، در عرصه علم و دانش نیز صاحب‌نظر و دارای قلمی استوار بود. وی علاوه بر تسلط بر متون اسلامی از سایر کتب آسمانی هم غافل نبود و طبق گزارشی شانزده کتاب آسمانی را مطالعه کرده و در میان آنها سوای قرآن کریم، از کتاب دانیال نبی (ع) بهره بسیار برده است؛ چراکه در آن به حکومت شیخی أضم در دیلمان و فرجام نیک او اشاره رفته است (محلی، ۱۴۲۳: ۵۹/۲).^۹ در میان امامان زیدیه قدر و منزلت علمی ناصر للحق یگانه و نزد همه گرایش‌های درونی زیدیان ناصری و قاسمی محترم است. علم و دانش ناصر للحق در گزارشی بالاتر از دانش افتخار زیدیان یمن، یحیی بن حسین، الهادی الی الحق، دانسته شده و به دریای عمیق و خروشان تشبیه کرده‌اند (مج، ۱۰۶۲).

نگاهی نو به منابع کهن: در جست‌وجوی آثار و احوال ناصر کبیر / ۱۳

با بضاعت مزجاتی که راقم سطور دارد، به سبب فراوانی آثار ناصر للحق، دریافتم فهرست دقیق آثار او در هیچ کتابی گزارش نشده است. از کتاب‌شناسان و فهرست‌نگاران نخستین، ابن‌ندیم چهارده کتاب برای ناصر ذکر کرده است (ابن‌ندیم، ۲۰۰۶: ۱۹۳/۱). وی اشاره کرده است که برخی از زیدیان گمان می‌کنند ناصر حدود صد کتاب داشته و در ادامه متواضعانه می‌گوید من ندیدم، و اگر کسی جای دیگری از این کتاب، بدانها برخورد کرد، به فهرست آثار ناصر در جای خود بیفزاید. از این عبارت چنین برمی‌آید که ابن‌ندیم آنچه را ضبط کرده است به چشم دیده و این احتمال را به ذهن می‌آورد که ناصر در ایامی که در عراق بوده، به بغداد نیز سفر کرده باشد.

خوش‌بختانه تمامی کتاب‌هایی که در فهرست ابن‌ندیم آمده،^{۱۰} جز کتابی با عنوان *اصول الزکوة*، نامشان در نسخه‌های *الإبانة* موجود است. احتمال می‌رود کتاب مذکور همان کتاب *الزکوة* یا *مسائل الزکوة* باشد که در *الإبانة* از آنها نام برده شده است. نجاشی هم حدود ده کتاب او را گزارش کرده (نجاشی، ۱۴۱۸: ۵۷-۵۸) که غمگانه در *الإبانة* و حواشی آن به جز دو سه عنوان مشهور، نام و نشانی از سایر عناوین موجود در رجال نجاشی نیافتیم. منابع متأخر مانند *ریاض العلماء* و *الذریعة* هم به نقل همان گزارش‌ها بسنده کرده‌اند. در سال‌های اخیر، نسخه‌ای درباره زیدیان شمال ایران در کتاب‌خانه کاشف‌الغطاء نجف، یافت شد که در آن بیش از صد اثر برای ناصر ثبت شده بود. در این پژوهش با تکیه بر گزارش‌های قدیم و جدید در ارائه کاری جدیدتر و مستندسازی آثار بی‌شمار ناصر للحق، همت گماشتیم. قبل از ورود به معرفی آثار ناصر للحق، چند نکته را بیان می‌کنیم:

الف. در فهرست‌نگاری، وجود چند کتاب با یک عنوان با پسوندهایی چون «صغیر» و «کبیر» و «متوسط» یا بدون آنها حکایت تازه‌ای نیست و ممکن است نویسنده‌ای به اقتضای دوره‌های مختلف، چند کتاب در یک موضوع نگاشته باشد و خود یا دیگران همه را با یک عنوان بشناسند.

ب. اشتیاق یا استبعاد در انتساب یک اثر به مؤلف نیز در کتاب‌شناسی‌ها و فهرس سابقه طولانی دارد. برخی از امامیه با دیدن عنوان *انتساب الائمه*، ناصر للحق را امامی لقب دادند. از سوی دیگر، ابوجعفر هوسمی در انتساب کتاب *العلل* به ناصر استبعاد می‌کند و چنین کتابی را به دور از ساحت ناصر می‌داند. در جای خود با ذکر شواهد و قراین می‌آوریم که هیچ یک از این نفی و اثبات‌ها یقینی نیست.

ج. برخی از آرای فقهی ناصر را فقهای ناصری گرد آورده‌اند و نمی‌توان آنها را در ردیف آثار ناصر قرار داد، مانند *الباهر علی مذهب الناصر و الموجز فی الفقه* از ابوالقاسم بستنی^{۱۱} که حواشی بسیاری به نقل از او در نسخه‌های *الإبانه* آمده است، *الحاصر لفقه الناصر* که آن را المؤید بالله هارونی جمع‌آوری کرده است، *الناظم فی فقه الناصر* که آن را ابوطالب هارونی گرد آورده است. مهم‌ترین آنها *الإبانه* ابوجعفر هوسمی است (ناصر اطروش، ۱۴۱۸: مقدمه، ۱۵). در انتساب برخی از آثار نیز خطایی رخ داده است؛ مانند *المسفر*^{۱۲} که از آن بارها در حواشی *الإبانه* بدون انتساب به ناصر کبیر نام برده شده و قطعاً از ناصر للحق نیست و ما آنها را در این فهرست درج نکردیم.

د. کتابی دیگر در فقه ناصر و از منقولات وی گردآوری شده که برخی به گمان آن را *الإبانه* خوانده‌اند (عمادی حائری، ۱۳۸۹: مقدمه *الإبانه*: ۱۱). این کتاب در چهل باب است و باب‌های مربوط به صلوة آن مفصل‌تر است و به جز کتاب‌های مربوط به معاملات، در اکثر کتاب‌های فقهی باب دارد. غمگنانه باب‌های اولیه کتاب افتاده و از باب «العاشر فی فرض الوضوء والتیمم» آغاز شده است. این کتاب مقدمه‌ای در اصول دین دارد که بخش توحید آن به مقدمه توحیدی *البساط* بسیار نزدیک است. در باب اذان و إقامة علاوه بر جمله «حی علی خیر العمل» که در *الإبانه* آمده، جمله «أشهد أن علیاً ولی الله» را نیز جزء اذان آورده است (مجهول، *رسالة فی فقه الناصر*، ۲۰۲). در آداب نماز شب و در ذکر قنوت نماز وتر آورده است: «اللهم عجل فرج آل محمد و أهلک عدوهم من الجنّ و الإنس ... ثم تقول: یا ربّ إنا نشکو الیک غیبة نبینا و شدة زماننا و کثرة عدوّننا و قلّة عددنا و تظاهر الفتن ... اللهم أعنا بفتح تعجله و نصر؟ تعزّ به و سلطان حقّ تظاهرة، اله الحقّ آمین ربّ العالمین» (همان: ۲۱۶).

نگاهی نوبه منابع کهن: در جست‌وجوی آثار و احوال ناصر کبیر / ۱۵

یک نسخه از این کتاب در کتاب‌خانه مدرسه نمازی خوی محفوظ، و تصویری از آن در مرکز احیاء میراث اسلامی به شماره ۹۴۸ (رساله دوم مجموعه) موجود است. برای این رساله عنوان *الإبانة* با احتمال انتخاب شده است. گویا اثری از زیدیان متأخر باشد و قطعاً *الإبانة* نیست (عمادی حائری، ۱۳۸۹: ۱۱). از مقدمه این رساله رایحه حیرانی و نارضایتی از اوضاع زمانه و رفتار اختلاف‌انگیز عالمان استشمام می‌شود (مجهول، *رسالة فی فقه الناصر*، ص ۱۲۰) که می‌تواند در علل گرایش ناصریان به امامیه بررسی شود.

در این نوشتار کتاب‌شناسی آثار ناصر للحق در سه بخش گزارش می‌شود؛ بخش نخست، آثاری که در دسترس زیدیان ناصری بوده و نشانی از آنها در *الإبانة* یافته‌ایم؛ بخش دوم، آثاری که فقط نامشان در نسخه نویافته علمای زیدیه آمده و نشانی از آنها نیافته‌ایم؛ و بخش پایانی، برای آثاری در نظر گرفته شده که در دیگر منابع آمده است.

۲.۲. آثار مضبوط در نسخ *الإبانة*

در این بخش با تکیه بر نسخه‌های *الإبانة*، به‌ویژه نسخه موجود در کتاب‌خانه مجلس شورای اسلامی، آثار ناصر للحق را استخراج کرده و نمایی هرچند کوتاه از آن کتاب را در چند سطر آورده‌ایم، که کاری نو است و آثار چندی بر آن مترتب است؛ نخست اینکه، سندی بر صحت انتساب اثر به ناصر و نیز تاریخی برای وجود نسخه تا زمان نگارش *الإبانة* و حواشی باشد؛ دوم اینکه، نوشتار حاضر با جمع‌آوری مسائل پراکنده از هر کتاب می‌تواند نوعی جنگ حدیثی فقهی از آثار ناصر محسوب شود؛ سوم اینکه، نقل سطرهایی از هر اثر می‌تواند در شناسایی نسخه‌های مجهول‌ره‌گشا باشد. ما در نوشتار حاضر از این روش بهره‌جسته‌ایم و در بخش دوم خواهیم آورد؛ چهارم اینکه، مقایسه گزارش‌های موجود در منابع کهن، با سایر منقولات از ناصر للحق که در کتاب‌های چاپ‌شده آمده، می‌تواند پژوهشی ارزنده باشد؛ چنانچه نگارنده در مقایسه منقولات از کتاب *الإحتساب* که در نسخه‌های *الإبانة* آمده با نسخه چاپی دریافت‌م نسخه چاپ‌شده همه آن مطالبی را که از آنها در حواشی *الإبانة* نقل شده است ندارد.

۲. ۲. ۱. عقاید و کلام^{۱۳}

۲. ۲. ۱. ۱. اصول الدین

در حاشیه *الإبانه* مکرر از این کتاب نام برده شده است (مج، ۹۸، ۱۷۸، ۲۶۱، ۲۸۹، ۳۲۸، ۴۵۴). درباره ایام حیض آمده است: «ذکره (ع) فی الألفاظ والمسائل و اصول الدین و کتاب النصیحة: إنّ الحیض مقدّر أقلّه ثلاثة آیام و أكثره عشرة آیام» (مج، ۹۹). در جای دیگر مطلبی در تشریح علمی حیض و مراحل رشد جنین با تعبیر «قال الناصر للحق (ع) فی دلائل التوحید: ^{۱۴} إنّ الله تعالی قدر النطفة إذا وقعت فی الرحم» (مج، ۱۱۲؛ دا، تصویر ۵۴) آمده است. شاید بتوان با جمع این گزارش‌ها، نتیجه احتمالی گرفت که موضوع کتاب‌ها، عقاید و چنین مسائلی از باب شگفتی‌های آفرینش در آن درج شده باشد نه اینکه موضوع کتاب فقه و نامتناسب با عنوان باشد، یا اینکه مانند برخی از کتب فقهی بخشی از آن به اصول دین اختصاص داشته است.

۲. ۲. ۱. ۲. الإمامة = کتاب الإمامة

در حاشیه *الإبانه*، از این کتاب نقل شده است (مج، ۳۱۹). همچنین، درباره آخرین مدّت حمل، یعنی چهار سال، که در *امالی* بدان اشاره کرده و به این کتاب حواله داده، آورده است: مدت حمل محمد بن عبدالله نفس زکیه چهار سال بود (مج، ۴۹۶). این گزارش می‌تواند قرینه‌ای باشد بر اینکه کتاب *الإمامة* ربطی به امامت مد نظر برخی از امامیه و تابعیت امامی دادن به ناصر ندارد و به احتمال قوی در سیره امامان زیدیه نگاشته است.

۲. ۲. ۱. ۳. الإمامة الکبیر؟

ابوجعفر هوسمی در چندین جای *الإبانه* از کتاب *الإمامة*، بدون وصف «صغیر» و «کبیر» نام برده و از آن نقل قول کرده است. برخی از مطالب نقل شده از آن، مانند کتاب *اصول الدین*، فقهی است. در کتاب *الطهارة الإبانه* آمده است: «فی کتاب الإمامة إذا اشتری ثوبا بعشرة دراهم و فیها درهم مغصوب لاتحلّ له الصلوة فیه» (چی، تصویر ۳۸) و در کتاب

نگاهی نو به منابع کهن: در جست‌وجوی آثار و احوال ناصر کبیر / ۱۷

الزکوة آمده است: «قال فی کتاب الامامة: إذا کان لرجل مال یجب فیہ الزکوة فلم یزکّ حتی أخذہ المتغلبون، إنّه إن کان أمکنه إخراجہ إلى مستحقّیه فلم یخرج حتی أخذ فعلیه أن یزکّی ثانیاً» (مج، ۳۱۸). کتاب *الامامة* با وصف «صغیر» در فصل بعدی می‌آید. در *رجال نجاشی*، کتاب *الامامة* با دو قید «صغیر» و «کبیر» آمده است (نجاشی، ۱۴۱۸: ۵۷؛ آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۳۲۴/۲).

۲. ۲. ۱. ۴. البساط

کتاب بسیار مهمی است در عقاید، که در بخش‌های مجزایی ذیل عنوان «مسئله»، مطالب مطرح شده و در بخش پایانی‌اش عقاید جبریان با استناد به آیات قرآن کریم نقد شده است. در *الإبانة* یک بار نامش آمده است: «لما قال (ع) فی البساط: لم ینه الله تعالی الکافرین عن أکل الربوا و إنما نهی المؤمن عن ذلک» (مج، ۵۹۰) و این عبارت در صفحه ۹۰ نسخه چاپی *البساط* آمده است. سزگین نسخه‌هایی از این کتاب را در کتاب‌خانه‌های واتیکان به شماره ۹۹۳، صنعا به شماره ۹۶ و برلین به شماره ۱۹۸ گزارش کرده است (سزگین، ۱۴۱۲: ۳۴۲/۳-۳۴۳). مصحح کتاب نیز در مقدمه به سه نسخه اشاره کرده (جدبان، در: ناصر اطروش، ۱۴۱۸: ۳۷-۳۸) و نه طریق برای این کتاب ذکر کرده است (همان: ۳۴-۳۷). در تفسیر کتاب *الله تعبیر* «ذکره فی حاشیة البساط» (شهردویر دیلمی، بی‌تا: تصویر ۱۹)^{۱۵} آمده است. گویا این کتاب حاشیه نیز داشته باشد. این کتاب به سال ۱۹۹۷/۱۴۱۸ در صعده به همت مکتبه التراث الاسلامی با تحقیق عبدالکریم احمد جدبان منتشر شد.

۲. ۲. ۱. ۵. رسالة فی الامامة

در *الإبانة* علاوه بر کتاب *الامامة*، از عنوان رساله‌ای در امامت نیز یاد شده است: «قال الناصر للحق علیه السلام فی کتاب الامامة و فی رسالته: إن الإمامة لاتصلح إلا للأفضل فی کل عصر من الفاطمیین أبا» (مج، ۱۰۵۷). ناصر در این عبارت، که موافق عقاید زیدیان است، برای امامان غیرمنصوص نیز افضلیت را شرط کرده است.

۲. ۲. ۱. ۶. کتاب بیان التوحید والعدل = دلائل التوحید = إثبات حقایق الدین

از این کتاب در حاشیه الإبانة نقل شده است: «و روی إنه لما نزلت هذه الآية قالوا يا رسول الله (ص) فقد علمنا التسليم عليك، فكيف الصلوة عليك؟ قال: قولوا اللهم صلّ على محمد و على آل محمد كما صلّيت و باركت على ابراهيم و على آل ابراهيم و جعل ذلك في الصلوة المكتوبة ليكون لمن صلّى وسيلة عند الله. ذكره الناصر للحق (ع) في بيان التوحید والعدل» (دا، تصویر ۱۳). در نسخه زیدی کتابخانه کاشف الغطاء آمده است که ناصر للحق این کتاب را در آمل برای شاگردش، ابی سعید خوارزمی، تصنیف کرده است. درباره عناوین دیگر آن نیز آورده است: «و فی بعض النسخ اثبات حقائق الدین و فی بعض النسخ کتاب دلائل التوحید» (مجهول، علماء الزیدية: تصویر ۱۱). از عنوان دیگر نیز در حاشیه الإبانة نام برده شده است: «قال الناصر للحق (ع) فی دلائل التوحید: ۱۶ إن الله تعالى قدر النطفة إذا وقعت فی الرحم» (مج، ۱۱۲؛ دا، تصویر ۵۴).

همچنین، ابوالفضل بن شهردویر در تفسیر آیه «فوكزه موسى فقضى عليه قال هذا من عمل الشيطان» (قصص: ۱۵) به نقل از کتاب بیان التوحید ناصر للحق آورده است: «قال الناصر للحق فی بیان التوحید: و هذا على تأویل قول القائل لمن ارتكب عمل قوم لوط إن هذا من عمل قوم لوط، نسبة اليه لأنهم غرقوا بتلك المعصية فكذلك ابليس رمى بالمعاصي كلها و ليس لله فيه رضى؟ ينسب اليه كل مكروه من غير أن يكون من فعله. و لو كان قول موسى (ع) هذا من عمل الشيطان على الحقيقة لقال: اللهم لاتؤاخذني به فإن الشيطان عمله لكنّه قال ربّ ظلمت نفسي فاغفر لي فغفر له إنه هو الغفور الرحيم» (شهردویر دیلمی، بی تا: نسخه شماره ۱۷۹۸۲، برگ ۱۲۸ ب).

۲. ۲. ۱. ۷. بیان الکفر والتوحید

در حاشیه الإبانة نکته‌ای تفسیری در سبب دو برابر بودن سهم ارث اولاد ذکور به نقل از این کتاب آمده است: «و ذکر الناصر للحق (ع) فی بیان الکفر والتوحید: أنه جعل للذكر مثل حظّ الأنثيين لأنّ الإبن أقرب إلى الأب من الإبنة ألا ترى أنّك تكون عصبه لأولاد بنیک و عصبه أولاد بناتک غیرک و لا یصیبک منه شیء» (مج، ۸۲۶).

۲.۲.۲. علوم قرآن

۲.۲.۲.۱. تفسیر الإمام ناصر للحق

کتابی است در تفسیر قرآن کریم و در آن به هزار بیت شعر احتجاج شده است که حکایت از تسلط و چیره‌دستی ناصر للحق در ادبیات عرب دارد (محلّی، ۱۴۲۳: ۵۸/۲).^{۱۷} ابوالفضل بن شهردویر در تفسیر خود از تفسیر ناصر نقل کرده است (برای توضیحات بیشتر، نک: قوجایی خامنه و موسوی‌نژاد، ۱۳۹۵). جالب اینکه آقابزرگ تهرانی، در گزارش این تفسیر، در دو جا از ناصر با تعبیر «امام» یاد کرده است (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۲۶۱/۴، ۳۱۷). ناصر از مفسران مسلم شیعه بوده و خود را از اهل بیت (ع) و همراه کتاب خدا می‌دانست و مردم را به پرسش از دین و تفسیر قرآن فرا می‌خواند (محلّی، ۱۴۲۳: ۶۰/۲). از این تفسیر در *الإبّانة* (مج، ۳۴۹، ۳۸۰) و در حواشی آن نام برده شده است (مج، ۴۵۶). از برخی حواشی فهمیده می‌شود نکات فقهی نیز در این تفسیر محل توجه بوده است چنانچه در حاشیه کتاب الصوم آمده است: «و ذکر الناصر للحق (ع) فی تفسیر القرآن إنّ الإفطار بمجرّد السفر جائز و علیه القضاء دون الکفّارة» (مر، برگ ۹۴ الف). در حاشیه عبارتی از کتاب الحج نیز، نکته‌ای فقهی به نقل از این تفسیر آمده است (مر، برگ ۱۱ ب). ناصر للحق کتاب دیگری نیز در تفسیر دارد که در ادامه همین نوشتار می‌آید.

۲.۲.۲.۲. کتاب بیان الکفر والایمان لکشف القرآن

در حاشیه کتاب الحج *الإبّانة* نسخه مرعشی و دانشگاه از این کتاب با عنوان «کتاب بیان الکفر والایمان» نام برده شده است: «و لایجزی حیث هو علی ما ذکره الناصر للحق (ع) فی تفسیر القرآن و هو قول القسمیة و ح [حنفیه] و اشارة الناصر للحق فی کتاب بیان الکفر والایمان إنّ یجزی» (مر، برگ ۱۱۲ الف؛ دا، تصویر ۱۶۹). همچنین، در حد صغیره و کبیره گناه از قول ناصر آورده است: «و ذکر الناصر للحق (ع) فی کتاب بیان الکفر والایمان: إنّ کلّ معصیة أوعده الله تعالی و رسوله علیها النار والعقاب فهی کبیره و ما عدا ذلك من الصغیره» (دا، تصویر ۳۸). گویا موضوع این کتاب علوم قرآن است. در نسخه مجلس شورا نیز از کتابی با عنوان کتاب *الکفر والایمان* یاد شده است (مج، ۳۷۹).

۲. ۲. ۳. حدیث

۲. ۲. ۳. ۱. الأمالی

از این کتاب در چندین جای *الإبانه*، مانند کتاب الطلاق، در مقدار عدّه حمل نقل شده است: «قال الناصر للحق (ع) فی الأمالی: إن أقلّ الحمل ستة أشهر و روی عن أمير المؤمنين علی (ع) إنه أفتی به و ان أكثره أربع سنين إشارة منه إليها فی کتاب الإمامة» (مج، ۴۹۶). همچنین، در حاشیه برگ‌های مختلف نسخه مجلس (مج، ۱۴۰، ۲۸۹، ۷۸۲) از این کتاب نام برده شده است، از جمله درباره دفن میت به نقل از این کتاب آورده است: «میت از جایی که قبض روح شده جای دیگر برده نمی‌شود و همان جا دفن می‌شود» (مج، ۲۵۲). هوسمی در شرح *الإبانه* آورده است: «قال (ع) فی أمالیه التي رواها عن أمير المؤمنين علی (ع)» (هوسمی، بی تا ه، تصویر ۳۲). با توجه به روایتی که از این کتاب آوردیم و روایت دیگری که درباره مسح سر آمده است (مج، ۵۲) محتمل است که کتاب *أمالی* مجموعه‌ای از روایات علوی باشد (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۳۰۸/۱).

۲. ۲. ۳. ۲. کتاب الأخبار

گویا موضوع این کتاب احادیث فقهی باشد و در آن احادیثی از امام باقر (ع) نقل شده است (دا، تصویر ۱۱۹). در حاشیه *الإبانه* در بحث برداشته شدن اذان و اقامه از بانوان در این کتاب نام برده شده است (مج، ۱۳۷). همچنین، در بیان سوره‌هایی که بعد از حمد در نماز وتر خوانده می‌شود آمده است: «و ذکر (ع) فی کتاب الأخبار: إنه یقرأ فیہ اوّلاً سبح اسم ربک الأعلى الذی و فی الثانية قل یا أيها الکافرون و فی الثالثة سورة الإخلاص والمعوذتين» (مج، ۱۹۲).

۲. ۲. ۳. ۳. کتاب الإملاء

در کتاب الصلوة *الإبانه*، باب اذان و اقامه (مج، ۱۳۹) از این کتاب یاد شده است. در حاشیه کتاب الطهارة، نیز روایتی از امام باقر (ع) (دا، تصویر ۱۹) و نیز روایتی از امام صادق (ع) را به نقل از این کتاب آورده است (مج، ۱۱۵).

۲. ۲. ۳. ۴. کتاب المناهی

به نقل از این کتاب، که مضمونش مطابق عنوانش در مناهی است، در حواشی *الإبانه* چنین آمده است: «كما ذكره (ع) في كتاب المناهی: نهى النبي (ص) عن إجارة الأرض بطعام معلوم مسمى من ذلك الحرث لأنه مخابرة» (مج، ۳۰۰).^{۱۸}

۲. ۲. ۴. فقه

۲. ۲. ۴. ۱. الألفاظ

در متن *الإبانه* و حواشی آن از این کتاب بسیار نقل شده است، به نحوی که می‌توان با جمع‌آوری آنها بخش‌هایی از این کتاب مفقود را بازسازی و احیا کرد. طبق شواهد موجود در کتاب *الإبانه* این کتاب، همه ابواب فقهی، از طهارت تا سیر، را در خود جای داده است. روایاتی از امام باقر (مج، ۱۲۳) و امام صادق (ع) (مج، ۲۷) نیز در این کتاب آمده است. در کتاب *الصلوة الإبانه*، درباره مرقد مطهر زهرای بتول (ع)، به نقل از این کتاب، آمده است: «فی الألفاظ: إن قبر فاطمة (ع) قیل: إنه فی مسجدها و قیل: إنه فی قبر بنیها الحسن بن علی و زین العابدین والباقر والصادق صلوات الله تعالى عليهم اجمعين» (مج، ۲۵۹). در *الافادة* هارونی از کتابی با عنوان *ألفاظ الناصر* یاد شده که ابو عبدالله ولیدی آن را در سالها ملازمت با ناصر للحق گرد آورده است (ابوطالب هارونی، ۱۴۳۵: ۱۰۸).

۲. ۲. ۴. ۲. أمهات الأولاد و أحكام بیعهن = کتاب بیع أمهات الأولاد

از این کتاب در متن *الإبانه*، باب القول فی العتق والتدبیر، و در حاشیه همان عبارت نقل شده است (مج، ۱۰۵۰). موضوع کتاب نیز مربوط و مطابق با عنوان است (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۳۵۱/۱).

۲. ۲. ۴. ۳. الإیوازیات

کتابی است در برخی ابواب فقهی مانند زکوة، صوم، نکاح و ... که در پاسخ به پرسش‌های ابراهیم بن جاروز ایوازی (مج، ۳۱۴)،^{۱۹} یکی از ثقات و راویان، از ناصر للحق نگاشته شده

است. در کتاب‌های مختلف *الإبانه* از این کتاب نقل شده است که دو نمونه از آن را، که حاوی نکات مهمی است، می‌آوریم: «و علی ما ذکره فی الایوازیات: یلزم علی کلّ جریب یصلح للزرع الغلیظ درهم و قفیر من الحبّ الذی ینخرج منها و علی جریب النخل والکرم عشرة دراهم و علی جریب الزعفران والریاحین والورد والفواکه ما یصلح الامام و یحتمل. فان عطّلها صاحبها أخذ منه الخراج. فان زرعها و أصاب زرعها آفة سماویة سقط خراجها؛ و فی الایوازیات: فأنه سئل (ع) عن تاجر یسافر الی بلاد أئمة الظلم والجور والفسق فقال (ع) ینبغ علی الامام أن یحملهم علی الزکوة فیما ظهر من اموالهم و علی الیمین فیما بطن إذا آثمهم و یحفظهم و یحفظ اموالهم» (مج، ۳۱۴-۳۱۵).^{۲۰} «و یحرم من الرضاع ما وصل الی جوف الصبّی من لبن بنی آدم و لو كانت قطرة او مصّة نصّ علیه فی الایوازیات» (مج، ۴۶۱-۴۶۲).

۲. ۲. ۴. الجامع الصغیر

گویا *جامع الصغیر* و *جامع الکبیر* را ابو جعفر هوسمی گردآوری کرده است؛ چنانچه در حاشیه کتاب *البیع الإبانه* نسخه مرعشی آمده است: «ذکر ابو جعفر فی جامعیه للناصر للحق (ع)» (مر، برگ ۱۶۸ الف؛ مج، ۵۸۹).^{۲۱}

۲. ۲. ۴. ۵. جامع الفقه = کتاب جامع فی الفقه

از این کتاب در حاشیه *الإبانه* نام برده شده است: «مسئله: یجوز دفع الزکوة الی فقیر فاسق لأولاده الصغار ... ذکره ابو منصور بن علی و هو منصوص الناصر للحق (ع) فی جامع الفقه» (دا، تصویر ۱۳۴).

۲. ۲. ۴. ۶. الجامع الکبیر

چنانچه در توضیح *جامع الصغیر* گذشت، گویا این کتاب را ابو جعفر هوسمی گردآوری کرده است.

۲. ۲. ۴. ۷. الجعفریات

از این کتاب در *الإبانه* و نیز در حواشی آن نام برده شده است. احتمالاً با *مسائل الجعفری* یکی باشند. عنوان کتاب هم جالب است و بعید نیست که مجموعه‌ای از احادیث امام جعفر صادق (ع) باشد. در *الإبانه*، در باب استبراء کنیز، آمده است: «و ذکر فی الجعفریات: إنه لو ابتاعها حائضاً او حاضت بعد الشری اعتد بها للاستبراء و هذا الاستبراء واجب بکرا کانت او ثیباً» (مج، ۶۰۵). در حاشیه *الإبانه* نیز در بحث وقت و جوب فطره آمده است: «و ذکر الناصر للحق فی الجعفریات: إن وقت وجوبها من الفجر الی وقت الزوال» (مج، ۳۲۲). در حواشی کتاب *الطلاق* نیز از این کتاب یاد شده است (مج، ۴۷۸، ۴۸۰).

۲. ۲. ۴. ۸. کتاب إبطال العول

از این کتاب که در موضوع سهم ارث است، در *الإبانه* نقل شده است: «ما ذکره فی إبطال العول و هو الصحيح» (مج، ۸۴۹)؛ نیز در حاشیه *الإبانه* از آن نام برده‌اند: «ذکره فی إبطال العول والفرائض الصغیر» (مج، ۸۳۶؛ دا: تصویر ۱۷۳).

۲. ۲. ۴. ۹. کتاب الإحتساب

کتاب مختصری است در نظارت و اهتمام حاکمان شهری بر رعایت احکام شریعت در ادارات، بازار، مساجد و ... که با عناوینی چون «آداب»، «قوانین» و «نظم» نگاشته شده و احادیث چندی از امام صادق (ع) در آن به چشم می‌خورد. در *الإبانه*، دست‌کم ده بار از این کتاب نقل شده است (مج، ۲۲۳، ۵۶۹، ۵۸۲، ۵۹۸، ۶۰۴، ۷۶۸، ۷۹۵، ۷۹۷، ۱۰۷۴، ۱۰۸۲) و در حواشی *الإبانه* هم مکرر از این کتاب نام برده‌اند (مج، ۱۶۴، ۲۴۱، ۲۶۲، ۷۶۸، ۱۰۴۱، ۱۰۶۲ و ...). بیشتر آنچه در متن *الإبانه* آمده با همان عبارات یا عباراتی نزدیک به آن در *الاحتساب* چاپی یافت شد، ولی عباراتی در *الإبانه* و عبارات بیشتری در حواشی *الإبانه* از کتاب *الاحتساب* نقل شده است که در نسخه چاپی به نظر نیامد، مثلاً: «و فی کتاب الاحتساب: یجوز المعاملة والاستقراض من المربی والمرتشی اذا کان الحرام لایستغرق جمیع ماله و ترکه احوط» (مج، ۵۶۹)؛ و در حاشیه آمده است: «قال المؤید بالله: لا بأس للرجل أن یؤمّ قوما

و إن كان فيهم من يكره إذا كان أكثرهم راضين به و إن كره أكثرهم من أهل الصلاح فلا ينبغي أن يؤمهم كذا ذكر الناصر للحق في الإحتساب من غير فصل» (مج، ۱۶۴). سزگین به نسخه‌ای از آن در موزه بریتانیا به شماره ۴۱۳، متعلق به قرن یازده هجری، اشاره کرده است (سزگین، ۱۴۱۲: ۳/۳۴۳). این کتاب در سال ۱۹۵۳ به همت یکی از مستشرقان در ایتالیا به چاپ رسید و همان نسخه چاپی با تصحیح عبدالکریم احمد جدبان به سال ۱۴۲۳ در صعده به همت مکتبه التراث الاسلامی تجدید چاپ شده است.

۲.۲.۴.۱۰. کتاب الأحكام

از کتابی با عنوان الاحكام در حاشیه الإبانة نام برده شده (دا، تصویر ۱۷۶) که عبارت کامل آن در توضیح مسائل النکاح می‌آید.

۲.۲.۴.۱۱. کتاب الأشربة

هوسمی در الإبانة از این کتاب نام برده است: «والقول فی المسکر فی جمیع ما ذکرنا کالقول فی الخمر علی ذلک فی کتاب الأشربة» (مج، ۱۰۴۵).

۲.۲.۴.۱۲. کتاب الأیمان والنذور

از این کتاب در چند جای الإبانة، از جمله در کتاب الطلاق و کتاب الأیمان والنذور، نام برده شده است: «فحاصل مذهبه (ع) علی ما ذکره فی الأیمان والنذور: إنه لا يدخل طلاق علی طلاق حتی ینقضی لكل تطليقة ثلاثة قروء أو یراجعها بالقول» (مج، ۴۷۹). در حاشیه کتاب الطلاق الإبانة آمده است: «و ذکر (ع) فی الأیمان والنذور» (مج، ۴۷۵، ۴۸۰). در نسخه زیدی موجود در کتابخانه کاشف‌الغطاء با عنوان رسالته فی علماء الزیدیه، در توضیح این کتاب آمده است که این کتاب را ناصر للحق در ایامی که در دیلمان بوده تصنیف کرده است.

۲.۲.۴.۱۳. کتاب البیع = کتاب البیوع

در الإبانة از دو عنوان کتاب البیوع و مسائل البیوع نام برده شده است. به نقل از کتاب البیوع آمده است: «فأما ما مات من حرّ الماء او برده او بالوحد او ما أخذه الحوت من السمک

نگاهی نو به منابع کهن: در جست‌وجوی آثار و احوال ناصر کبیر / ۲۵

فالتقمه فهو حلال مملوك، نصّ عليه في كتاب البيوع. فاما ما وجد في البحر من الجراد الميتة فلا يوكل لمذهبه الصحيح. و اشار في الألفاظ الى أنّه لا يوكل من السموك إلا ما كان موته من صائد مسلم» (مج، ۱۰۳۴).

۲. ۲. ۴. ۱۴. كتاب الجنائز

در حاشیه‌ی ایبانه از آن نقل شده است (مج، ۲۸؛ چی، تصویر ۱۸).

۲. ۲. ۴. ۱۵. كتاب الحج

در ایبانه، به نقل از كتاب الحج، چنین آمده است: «كما نصّ في كتاب الحج على أنّ من طاف فليدخل البيت و يصلّى ركعتين بين العمودين» (مج، ۱۶۲).

۲. ۲. ۴. ۱۶. كتاب الحدود

از این کتاب در ایبانه نام برده شده است: «و لایجوز الصلح فی الحدود لما قال (ع) فی کتاب الحدود: إنّهُ لایجوز أن يأخذ للمحدود رافة عند إقامتها» (مج، ۸۰۲).

۲. ۲. ۴. ۱۷. كتاب الديات

در کتاب الدیات/ایبانه به نقل از این کتاب چنین آمده است: «قال الناصر للحق (ع) فی کتاب الدیات: فی الخدشة بعیر و فی الدامیة بعیران و فی الباضعة و هی التي تبضع اللحم ثلث من الابل و فی السمحاق و هی دون الموضحة اربع من الابل» (دا، تصویر ۴۴۵). در حاشیه‌ی ایبانه نیز این کتاب ذکر شده است: «قال الناصر للحق فی کتاب الدیات: یجوز المخالعة علی عوض المهر والنفقة و لایجوز علی عوض السكنی» (مج، ۴۹۸).

۲. ۲. ۴. ۱۸. كتاب الرضاع

عبارت «هكذا ذكر الناصر للحق (ع) فی كتاب الرضاع و هو الصحيح» (مج، ۴۶۰) به نقل از این کتاب در حاشیه‌ی ایبانه آمده و در حاشیه‌ی دیگر، عبارت «و ذكر الناصر للحق (ع) فی كتاب الرضاع» (مج، ۴۸۳) دیده می‌شود.

۲. ۲. ۴. ۱۹. کتاب الرهن

حدیث نبوی «و روی (ع) فی کتاب الرهن عن النبی (ص): إنه قال لا یغلق الرهن لصاحبه غنمة و علیه غرمه»^{۲۲} به نقل از این کتاب در *الإبانه* آمده و نیز در حواشی *الإبانه* از آن نقل شده است (مج، ۶۷۴ و ۶۸۰).

۲. ۲. ۴. ۲۰. کتاب الرهون

از این عنوان نیز در کتاب *الرهون الإبانه* نام برده شده و احتمال اتحاد آن با عنوان قبلی ضعیف است. کتاب دیگری نیز در این باب با عنوان «مسائل الرهن» وجود دارد. عبارت «قال الناصر للحق (ع): کلّ ما جاز بیعه جاز رهنه ایّ جنس کان من الاموال إذا کان معلوما لهما جمعاً سواء کان مما ینقل او مما لا ینقل نصّ علیه فی کتاب الرهون» در *الإبانه* آمده است (مج، ۶۷۲).

۲. ۲. ۴. ۲۱. کتاب الزکوة

از این کتاب در حاشیه *الإبانه* چنین نقل شده است: «و نصّ علی ذلك ناصر للحق (ع) فی کتاب الزکوة و مسائل الجعفری» (مج، ۱۰۸۱). در فهرست ابن ندیم نیز کتابی با عنوان *کتاب اصول الزکوة* (ابن ندیم، ۲۰۰۶: ۱۹۳/۱) در ذیل آثار ناصر آمده است.

۲. ۲. ۴. ۲۲. کتاب السیر

نام این کتاب در نسخه *رسالة فی علماء الزیدیه* آمده است. در *الإبانه* نیز عبارت «و أشار (ع) فی السیر: إنّ الابرء یصح ابطاله بالردّ» آمده است (مر، برگ ۲۹۶ ب).

۲. ۲. ۴. ۲۳. کتاب الشركة

از این کتاب در حاشیه *الإبانه* نام برده شده است: «قال الشیخ فی الجامعین والناصر للحق فی کتاب الشركة» (دا، تصویر ۴۰۳).

۲. ۲. ۴. ۲۴. کتاب الشفعة

روایتی از امام باقر (ع) به نقل از این کتاب در *الإبانه* آمده است: «ذكر في كتاب الشفعة عن محمد بن علي: إن البائع إذا أقرّ بالبيع فليس له أن يرجع» (مج، ۶۴۸).

۲. ۲. ۴. ۲۵. کتاب الصلوة

روایتی در قالب فتوا به نقل از این کتاب در *الإبانه*، چنین آمده: «و في كتاب الصلوة نهى أن يتغوَّطَ و أن يبول عند شفير بئر يستعذب منه او على حرف نهر يُشرب منه او بين القبور او عليها او تحت شجرة مثمرة و لا يجوز استقبال القبلة و لا استدبارها في الفضاء والعمران و لا أن يبول قائماً و لا ان يستقبل ببوله الريح» (مج، ۵۹).^{۲۳}

۲. ۲. ۴. ۲۶. کتاب الصلوة الكبير

این کتاب از مهم‌ترین کتب فقهی ناصر به شمار می‌رود. در *الإبانه* در بحث نمازهای مستحبی، که همه آنها دو رکعتی است، جز نماز وتر، آمده است: «و هذه السنن يفعل كلها منى منى بالليل والنهار إلا صلوة الوتر فإنها ثلث ركعات بتسليمة واحدة. و يقنت في الركعة الأخيرة منها بعد الركوع بالدعاء المذكور في كتاب الصلوة و يقرأ فيهن إحدى عشرة مرة سورة الإخلاص ثلاث مرآت في الاولى بعد قراءة الحمد و ثلاث مرآت في الثانية بعد قراءة الحمد و خمس مرآت في الثالثة بعد قراءة الحمد و في الكبير...». در حاشیه عبارت *الإبانه* و در تأیید آن از کتاب *الصلوة الكبير* آورده است: «الوتر عندنا ثلث ركعات متواليات لا يفصل بينهن بتسليم و يجلس في الركعة الثانية و يقرأ قدر التشهد ثم يقيم و يصلی الركعة الأخيرة ثم يجلس و يتشهد بعد قراءة القنوت. و قد رأى بعض الناس أن يسلم في الجلسة الاولى والأخيرة. ذكره الناصر للحق (ع) في كتاب الصلوة الكبير» (مج، ۱۹۲).

در باب القول فی صلوة العیدین نیز از این کتاب نقل شده است: «و عليه أن يدعو بين كل تكبيرتين بالدعاء المذكور في كتاب الصلوة الكبير» (مج، ۲۴۱). در جواز نام‌بردن از اشخاص در قنوت، روایتی از این کتاب نقل شده است که پیامبر (ص) در قنوت، کفار را به اسم لعن می‌کردند: «اللهم العن الكفار الذين عادوا نبيك ... و هو فلان و فلان» (مج،

(۲۳۴). در همان حاشیه از نسخ این حکم و جایز نبودن نام بردن از اشخاص سخن گفته است.

در رساله فی علماء الزیدیه، به نقل از ابوطالب هارونی، راجع به کتاب الصلوة الکبیر می گوید هر کس این کتاب را بخواند به درجه اجتهاد نائل می شود و مجتهد می گردد و از حسن بن احمد دیلمی نقل کرده است که ناصر للحق این کتاب را در کیلاکجان نگاهشته است (مجهول، رساله فی علماء الزیدیه، تصویر ۱۱).

۲. ۲. ۴. ۲۷. کتاب الصوم

از این کتاب در الإبانة یاد شده است: «و ذکر فی الکبیر: من أتى کبيرة و هو صائم فسد صومه و علیه القضاء و كذلك الصلوة و فرّق بينهما فی کتاب الصوم فقال: إنّه لا یجب علیه قضاء الصیام الذی کان منه لکنّها تبطل ثواب الصائمين فلا ثواب له لأنّه أحبطه» (مج، ۳۳۸). در حاشیه الإبانة نیز از آن نام برده شده است (مج، ۳۳۳، ۳۴۲).

۲. ۲. ۴. ۲۸. کتاب الطلاق

در چند جای کتاب الطلاق الإبانة از کتابی با عنوان کتاب الطلاق نقل قول شده است که دو نمونه از آن را می آوریم: «هذا منصوص علیه فی المسائل لکنه ذکر فی کتاب الطلاق: إنّ النفقة لها تجب من یوم العقد صغیرة کانت او کبيرة» (مج، ۴۵۱)؛ «ذکره فی کتاب الطلاق و إن خولف فيه فإما إذا ترک شرطاً من هذه الشرائط فیکون طلاق البدعة» (مج، ۴۷۴) (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۱۷۳/۱۵).^{۲۴}

۲. ۲. ۴. ۲۹. کتاب العلل

در حاشیه الإبانة از این کتاب چنین نقل شده است: «ذکره (ع) فی کتاب العلل: إنّه یجوز للمریض و نصره البستی» (مج، ۱۳۱) و در همان حاشیه می گوید هوسمی در کتاب الدیانات انتساب این کتاب به ناصر را ردّ می کند و آن را از موضوعات و دسیسه های ملحدان می داند. وی ساحت ناصر للحق را به دور از نگارش کتاب العلل می داند و بعد به پاسخی

نگاهی نو به منابع کهن: در جست‌وجوی آثار و احوال ناصر کبیر / ۲۹

از ناصر للحق استدلال می‌کند که در جواب شخصی فرموده بود: «خداوند این مسائل را معلل فرض نکرده، بلکه فرض آنها تعبدی است». هوسمی از پاسخ ناصر للحق چنین برداشت می‌کند که نگارش کتاب العلل و اینکه احکام و شرایع دارای علل باشد، نمی‌تواند از ناصر للحق باشد. در نسخه رساله فی علماء الزیدیه آمده است که نظر ابوالفضل بن شهردویر بن یوسف هم، بر رد انتساب است ولی محمد بن صالح، ایرادی در انتساب این کتاب به ناصر للحق نمی‌بیند. در حاشیه دیگری درباره علت جواز نماز میت، بدون وضو از کتاب العلل می‌گوید: «چون نماز میت در واقع دعا است نه نماز» (مج، ۲۵۰). در حاشیه دیگری آمده است: «ذکر (ع) فی المسترشد و المسائل و کتاب العلل: إن للمریض والمسافر الذی یجوز له القصر أن یصلیه بعد العتمة» (مج، ۱۲۴). در حاشیه دیگری در علت وجوب صوم، سخن ناصر را از کتاب العلل آورده است: «خداوند تعالی امر به صوم کرده تا مردم تشنگی و گرسنگی را بشناسند و ...» (مج، ۳۳۱). در حاشیه دیگری درباره نهی از تخلی در طریق و کنار نهر و قبور، به علت حکم، یعنی اذیت مردم و تنفر آنها و امکان نجس شدن عابران، اشاره کرده است (مج، ۶۰). با توجه به قراین ذکرشده، که در آنها به علت حکم اشاره شده و قراین دیگری که ذکر آنها به درازا می‌کشد، انتساب این کتاب به ناصر کبیر هیچ بعدی ندارد.

۲. ۲. ۴. ۳۰. کتاب الغصب

از این کتاب در الإبانة با عبارت: «لقوله (ع) فی کتاب الغصب» (مج، ۷۰۱) و نیز در حاشیه الإبانة با تعبیر: «ذکره (ع) فی کتاب الغصب» (مج، ۶۹۶) نام برده شده است.

۲. ۲. ۴. ۳۱. کتاب الفرائض

در حاشیه الإبانة از این کتاب نام برده شده است: «و ذکر الناصر للحق فی کتاب الفرائض عن ابن عباس: إنه كتب الی امیرالمؤمنین علی (ع) یسئله عن ستة اخوة و جدّ و كتب الیه علی (ع) ان اجعله کاحدهم» (مج، ۸۵۱).

۲. ۲. ۴. ۳۲. کتاب الفرائض الصغیر

از این کتاب در حاشیه *الإبانه* نام برده شده است: «ذکره فی إبطال العول والفرائض الصغیر» (مج، ۸۳۶، ۸۴۲).

۲. ۲. ۴. ۳۳. کتاب القسامه

عبارت: «و قال فی کتاب القسامه: إذا ادعی احد علی آخر دعوی فلم یقم البینه فاستحلف المدعی علیه و رضی بيمينه برئ و لم یکن علیه سبیل و ...» (دا، تصویر ۴۲۰) به نقل از این کتاب در *الإبانه* آمده است.

۲. ۲. ۴. ۳۴. کتاب القضاء و ادب القاضی

از این کتاب در حاشیه *الإبانه* نام برده شده است (مج، ۹۲۳).

۲. ۲. ۴. ۳۵. کتاب القضاء والدعاوی

در حاشیه *الإبانه* از این کتاب نقل شده است: «قال الناصر للحق (ع) فی کتاب القضاء والدعاوی: إنه اذا ردّت شهادة الكافر لكفره ثم تاب و رجع الى دار الاسلام و شهد ثانياً أنه لا یقبل شهادته فیما ردّت لجواز رواج شهادته فیما ردّت» (دا: تصویر ۴۵۲).

۲. ۲. ۴. ۳۶. کتاب الکبیر

مطالب نقل شده در باب صلوة و دیگر مباحث فقهی *الإبانه* و حواشی آن از کتاب *الکبیر* یا *الکبیر*، نمی تواند به نقل از همان کتاب *الصلوة الکبیر* باشد؛ بلکه عنوانی مستقل و دربرگیرنده مباحث نماز و دیگر کتب فقهی است. نمونه های نقل شده از این کتاب عبارت است از: در حاشیه *الإبانه* در بحث مسح پا و اینکه فتوای ناصر در مسح پا این است که باید تا اول ساق را بشوید، روایتی از امام صادق (ع) را به نقل از این کتاب آورده است: «و فی الکبیر عن الصادق (ع): إنه کان یغسل قدمیه الى انصاف ساقیه و یقول: إني أحب أن تطول حجلی؟ یوم القیامة» (مج، ۵۳). در کتاب طلاق *الإبانه* آورده است: «ذکر فی الکبیر: إنه لو طلقها رجعیاً ثم قال لها بعد ایام راجعتک»

نگاهی نو به منابع کهن: در جست‌وجوی آثار و احوال ناصر کبیر / ۳۱

(مج، ۵۰۸). در حواشی *الإبانه* بارها از این کتاب نام برده شده است (مج، ۱۷۵، ۱۷۹، ۳۷۴، ۳۷۵).

۲. ۲. ۴. ۳۷. کتاب الكفالة

از این کتاب در حاشیه *الإبانه* یاد شده است (مج، ۴۵۴).

۲. ۲. ۴. ۳۸. کتاب المناسک الصغیر

از کتاب *المناسک بدون قید «صغیر»* و «کبیر» در حاشیه *الإبانه* یاد شده است (مج، ۳۵۹، مر، برگ ۱۰۹ ب).

۲. ۲. ۴. ۳۹. کتاب المناسک الکبیر

در حاشیه و در شرح عبارت «باسنده الاول و اتق قتل الدواب» از کتاب *الحج الإبانه*، سلسله سندی از ناصر للحق به امام صادق (ع) به نقل از کتاب *المناسک* آورده است: «معناه باسناد الذی أسند فی کتاب المناسک و هو إنه قال: حدثنی اخي الحسين بن علی وابن عمی احمد بن محمد بن جعفر عن موسى بن جعفر بن محمد الصادق قال: و اتق الخبر» (مر، برگ ۱۰۹ ب). در رساله *علماء زیدیه ایران* از دو عنوان «مناسک صغیر» و «مناسک کبیر» یاد شده است (*رسالة فی علماء الزیدیه، تصویر ۱۱*). ما نیز دو عنوان ضبط کردیم ولی دلیلی قطعی بر اینکه عبارت فوق از کتاب *المناسک کبیر* باشد وجود ندارد؛ با توجه به ذکر سند احتمال می‌رود، منظور همان *مناسک کبیر ناصر* باشد. احتمال اینکه این کتاب حدیثی باشد نیز بعید نیست.

۲. ۲. ۴. ۴۰. کتاب مختصر الفرائض

از این کتاب در حاشیه *الإبانه* نام برده شده است (مج، ۸۳۶، ۸۴۱، ۸۴۲، مر، ۳۱۴ الف).

۲. ۲. ۴. ۴۱. کتاب المزارعة

در *الإبانه* نشانی از این کتاب نیافتیم ولی در حاشیه به آن اشاره شده است (مج، ۷۸۰).

۲. ۲. ۴. ۴۲. کتاب النصيحة

در نسخه رساله فی علماء الزيدية، در توضیح این کتاب آورده‌اند: «بهاء‌الدین یوسف بن ابی الحسن دیلمی، انتساب این اثر به ناصر را نفی کرده و آن را ساخته سید حسین هارونی پدر امامان هارونیان احمد و یحیی دانسته است که امامت ائمه زیدیه را قبول نداشته و برای تشنیع آنها این کتاب را نگاشته است». سید حسین هارونی امامی مذهب و از نزدیکان ناصر کبیر و در آمل بوده است. در متن الإبانة نقلی از این کتاب به نظر نیامد، ولی در حواشی از این کتاب بسیار نقل شده است. با توجه به آنچه یاد شده به نظر می‌رسد بخشی از این کتاب یا تمام آن در موضوع فقه باشد، مانند عبارت «و ذکر الناصر للحق (ع) فی کتاب النصيحة: إن خروج المنی یوجب الغسل بأی وجه خرج» (مج، ۴۶). در چند حاشیه دیگر از این کتاب نام برده شده (مج، ۴۸، ۱۲۱، ۲۳۷، ۲۸۸) و در تمام اینها نشانی بر رد انتساب این اثر به ناصر للحق و نقش سید حسین هارونی در آن نیافتیم.

۲. ۲. ۴. ۴۳. کتاب النفقات

از این کتاب در حاشیه الإبانة نقل شده است: «قال الناصر للحق (ع) فی کتاب النفقات: و لیس لاحد من الأولیاء أبا کان او غیرها ان یطالب لابنته البکر المدركة زوجها بمهرها و نفقتها الا بوكالة منها» (دا، تصویر ۲۳۹).

۲. ۲. ۴. ۴۴. کتاب النکاح

نام این کتاب در الإبانة آمده است: «ذکره فی کتاب النکاح» (مج، ۴۲۲)؛ و نیز در حاشیه الإبانة بدان اشاره شده است (مج، ۳۸۴، ۳۹۲).

۲. ۲. ۴. ۴۵. کتاب الوصایا

از این کتاب در حاشیه الإبانة نام برده شده است (مج، ۳۳۲).

۲. ۲. ۴. ۴۶. الکلاریات

در *الإبّانة* از کتابی با این عنوان یاد شده و ممکن است همان *مسائل* موسی بن احمد کلاری باشد: «و ذکر فی الکلاریات: إنّه إذا وهب شیئا للاحبیبی او لزوجته صحّت» (مج، ۷۲۶).

۲. ۲. ۴. ۴۷. المختصر = کتاب المختصر = کتاب الصلوة الصغیر

نام این کتاب در نسخه *رسالة فی علماء الزیدیه* با عنوان *کتاب الصلوة الصغیر* آمده و در توضیح آن آورده‌اند: «و فی بعض نسخ الإبّانة، کتاب المختصر یراد به کتاب الصلوة الصغیر» (مجهول، *رسالة فی علماء الزیدیه*، تصویر ۱۱). قراینی که در پی می‌آید، این گزارش را تأیید می‌کند. ما در این فهرست، عنوان موجود در *الإبّانة* را اصل قرار دادیم. موضوع این کتاب احکام طهارت و نماز است و در کتاب‌های دیگر *الإبّانة* نامی از این کتاب به نظر نیامد. نمونه‌های موجود عبارت‌اند از: «قال الناصر للحق (ع) فی المختصر: التیمّم وضو ضرورة عند عدم الماء فاذا اردت التیمّم، فلا تیمم إلا فی آخر وقت الظهر والعصر» (مج، ۸۷). در نماز خوف هم آورده است: «ذکر فی المختصر: إنّه یرتوی قاعدا حتی یرتوی به الطائفة الثانية والأصح من القولین ما فی الکبیر» (دا، تصویر ۱۱۰). در حاشیه عبارت مذکور آمده است: «فصل. فإن تری جیوشا او سوارا فظنّوا إنهم عدواً فصلّوا صلوة الخوف ذکر الناصر للحق فی المختصر: إن علی الطائفة الاولى الإعادة دون الثانية ... قال احمد بن داعی أنما ذکر (ع) فی المختصر: من بطلان صلوة طائفة الاولى محمول علی إنّه کان یمکنهم تعرّف حقیقة الحال» (دا، تصویر ۱۱۰). در حاشیه *الإبّانة* نیز آثاری با عنوان *کتاب الصغیر* آمده است که گویا مراد همین کتاب *الصلوة الصغیر* باشد. در بحث نماز عید و اینکه می‌توان آن را فرادا گزارد، به این کتاب ارجاع داده شده است (مج، ۲۴۱). همچنین، در قضای نماز آیات آمده است: «و ذکر الناصر للحق (ع) فی الصغیر: فإن علم بالكسوف و لم یصلّ فلیقض متی تیسّر له فإنی أحبّه» (دا، تصویر ۶۰).

۲. ۲. ۴. ۴۸. المسائل

در کتاب *الإبّانة* از این کتاب در باب‌های مختلف بسیار نقل شده و گویا یک دوره کامل فقهی باشد. یک نمونه جالب آن را که در کتاب *الحدود* «باب القول فی حد الزانی

والشارب والتعزیر» آمده است می‌آوریم: «لما ذکر فی المسائل: إن الرجلین تخصما الی الناصر للحق (ع) بآمل فقال احدهما لصاحبه لا عقل لولد الزنی. فقال المشتوم: أيها الامام أقم علیه الحد؛ فإنه قذف والدتی بالزنی. فقال (ع): هذا تعریض و لیس بقذف فلا أحدّه» (دا، تصویر ۴۶۸). در حواشی *الإبانه* نیز از این کتاب نقل شده است (مج، ۲۹). گویا حقیقی، از فقهای ناصریه، شرحی بر این کتاب نوشته است (مج، ۲۸۴).^{۲۰} در حاشیه *الإبانه* از شرح *المسائل* قاضی ابومضر نیز نام برده شده است (مج، ۳۵۹). ممکن است شرح *المسائل* ناصر کبیر یا شرح *المسائل* دیگر فقهای شمال ایران، مانند المؤید بالله هارونی، باشد (مج، ۷۴۲).

۲. ۲. ۴. ۴۹. مسائل اسماعیل بن عبدالله الكلاری

از تبویب این کتاب اطلاعی نداریم. ابوجعفر هوسمی در دو کتاب *طهارت و وصایای الإبانه* از مسائل اسماعیل کلاری نام برده است. در کتاب *الطهاره الإبانه*، مبحث نیت وضو آمده است: «کذلک إذا نوى رفع الحدث لأداء النافله والنیة له واجبة، ذکرها فی مسائل اسماعیل بن عبدالله الكلاری» (مج، ۴۷). و در حاشیه بحث مذکور نیز، محشی از این کتاب نام برده است (مج، ۴۷). در اوایل کتاب *الوصایا* آمده است: «و يجوز الوصیة للوارث و غیر الوارث نصّ علیه فی مسائل اسماعیل بن عبدالله الكلاری» (مج، ۸۷۹).

۲. ۲. ۴. ۵۰. مسائل الإعتکاف

در حاشیه *الإبانه* عبارت «كما ذكره (ع) فی مسئله الإعتکاف» آمده (مج، ۴۸۵) و احتمال تعدد عنوان نیز بعید نیست.

۲. ۲. ۴. ۵۱. مسائل الإقرار

از این کتاب در *الإبانه* نام برده شده است: «لأن الإقرار یصحّ من غیر القبض والتسليم. قال ذلك فی مسائل الاقرار» (مج، ۸۲۴).

نگاهی نوبه منابع کهن: در جست‌وجوی آثار و احوال ناصر کبیر / ۳۵

۲. ۲. ۴. ۵۲. مسائل البائدشتی = البائدشتی = البائدشتیات

مسائلی است که یکی از یاران ناصر، به نام علی بن موسی البائدشتی، مؤلف رساله‌ای در اثبات امامت ناصر (وجیه، ۱۴۲۰: ۷۲۳) از وی پرسیده است. بائدشت یکی از بخش‌های آمل و در سمت مغرب شهر، قرار دارد (مج، ۳۴۵).^{۲۶} از این کتاب در *الإبانه* بارها نام برده شده است، مانند: «و فی المسائل البائدشتی: من صلّى خلف من لایجوز الصلوة خلفه مع العلم، علیه الإعادة، بقى الوقت أم لم یبق و ذلك كالتأصیبی والمشبهی والفاسق والصبی» (مج، ۱۷۲).

۲. ۲. ۴. ۵۳. مسائل البیوع

از این کتاب در *الإبانه* با عبارت: «قال الناصر للحق (ع) فی مسائل البیوع: لایجوز أن یبیع الذهب بالذهب و لا الفضة بالفضة إلا وزنا بوزن» (مج، ۵۸۴) و نیز در حاشیه نام برده شده است (مج، ۵۶۷، ۶۹۰).

۲. ۲. ۴. ۵۴. مسائل الجعفری

در *الإبانه* از این کتاب نام برده شده است: «و فی مسائل الجعفری: و لأبأس بشهادة الوصی إن كان رضیاً و كان معه غیره» (دا، تصویر ۴۳۳).

۲. ۲. ۴. ۵۵. مسائل الحسن بن احمد الكلاری الدیلمی

از این کتاب در *الإبانه* نام برده شده است: «و لایجوز أن یسلم العروض، نصّ علیه فی مسائل الحسن بن احمد» (مج، ۶۲۹).

۲. ۲. ۴. ۵۶. مسائل الدیلم

موضوع این کتاب فقه است و در *الإبانه* چندین بار از آن ذکر شده است. نخست، در کتاب *الصلوة*: «و من ترك الصلوة عامداً فسق و علیه التوبة دون اعادة الصلوة اشارة الیه فی مسائل الدیلم» (دا، تصویر ۹۹). دیگری در بحث اولیای عقد در کتاب *النکاح* آمده است: «و كذلك نکاح السكران اذا كان لا یعقل و لایدری باطل نصّ علیه فی مسائل الدیلم» (مج، ۴۰۵). نمونه دیگر در کتاب *حدود* آمده است: «والصحيح من مذهبه ما ذكره فی مسائل الدیلم: إنه لا یقطع

أيديهم حتى يكون نصيب كل واحد منهم نصاباً لأن الشركة فيها تورث الشبهة» (دا، تصویر ۴۷۵). همچنین، در کتاب اطعمه و أشربه آمده است: «و قال في موضع آخر في مسائل الديلم: يحرم أكل كل ذى ناب من السباع و ذى مخلب من الطير و هو الأصح لمذهبه (ع)» (مج، ۱۰۴۱). در حاشیه‌ی *الإبانه* نیز از این کتاب در بحث اوقات نماز (مج، ۱۲۸) و مصرف خمس (مج، ۳۱۳) نقل شده است.

۲. ۲. ۴. ۵۷. مسائل الدینوری

در حاشیه‌ی *الإبانه*، درباره جواز بازی با چوگان و ورزش‌بودنش آورده است: «و ذکر (ع) فی مسائل الدینوری و کان سألہ عن ذلک و شبهه. و لقد کان المشایخ الفاضلون یلعبون بالأخشبة مع الغلمان لیكون فیهم خفة وقت الحاجة ... و یمكنهم العدو علی اعدائهم فی الحروب ... و قد امر صلی الله علیه و علی آله الکبار بتعلیم صبیانهم القوم؟ لیأمنوا من الفرق؟ و لقد رأیت بعض الصالحون یعلمون الصبیان الغوص فی الماء و الترواب و الترنیق» (مج، ۱۰۳۷). ناصر به ورزش، به ویژه بازی چوگان، اهتمام خاصی داشت و آن را جزء ملاحی نمی‌دانست (مج، ۱۰۳۷).^{۲۷} ابوطالب هارونی می‌نویسد: «وقتی ناصر سوار بر اسب در اطراف شهر به چوگان‌بازی مشغول می‌شد فقیهان برای درس و املائی حدیث در مصلاً جمع می‌شدند تا او از سوارکاری و چوگان‌بازی فارغ شود» (ابوطالب هارونی، ۱۴۳۵: ۱۰۸). این شور و نشاط در سنین بالای هفتادسالگی بسیار در خور تأمل است. در قدرت شناگری ناصر نیز نوشته‌اند وقتی وارد دریا می‌شد به حدی شنا می‌کرد که از نظر دور می‌شد. در گزارشی از حسین بن حجام آمده است: «به حدّ یک فرسخ شنا می‌کرد و گاه در نهر هوسم (رودسر) وارد می‌شد و روی آب دراز می‌کشید تا روز بالا می‌آمد. چون خارج می‌شد، می‌گفت این سحر نیست و من آن را در مصر آموخته‌ام» (مج، ۱۰۳۷: دا، تصویر ۴۹۴).

۲. ۲. ۴. ۵۸. مسائل الرهن

در *الإبانه* از این کتاب نام برده شده است: «نصّ علیه فی مسائل الرهن» (مج، ۸۱۲).

۲. ۲. ۴. ۵۹. مسائل الزکوة

عبارت «و ليس له ان يتولى القضاء بامر الظلمة و لا ان يرجع الى ظالم فى شىء من الاحكام نص عليه فى مسائل الزکوة» (دا، تصویر ۴۱۷) از این کتاب در *الإبانة* نقل شده و در حاشیه نیز به این کتاب اشاره شده است (مج، ۲۶۸، ۱۰۷۸).

۲. ۲. ۴. ۶۰. مسائل السمک

در حاشیه *الإبانة* در بحث خمس ماهی که از مسائل محل اختلاف بوده از این کتاب نام برده شده است (مج، ۳۰۶).

۲. ۲. ۴. ۶۱. مسائل الطلاق

این کتاب سوای کتاب *الطلاق* است که پیش از این آوردیم. در حاشیه *الإبانة* از هر دو و در کنار هم یاد شده است: «و مثله ذکر الناصر للحق (ع) فى كتاب الطلاق و مسائل الطلاق و كتاب النصيحة و المسترشد و الكلاريات» (مج، ۴۸۱).

۲. ۲. ۴. ۶۲. مسائل عبدالله بن حسن الايوازی

در کتاب *الصيد والذبايح الإبانة*، به نقل از این کتاب آمده است: «قال الناصر للحق (ع) فى مسائل عبد الله بن الحسن الايوازی: إذا ذبح المسلم فاحسن الذبح و فرى الأوداج و قطع المرئ والحلقوم و سمى باسم الله تعالى فإنه يحلّ أكلها» (مج، ۱۰۲۸).

۲. ۲. ۴. ۶۳. مسائل العراق

در حاشیه *الإبانة* آمده است: «ذكر الناصر للحق (ع) فى كتاب الاحتساب عن امير المؤمنين على (ع): إنه نهى عن بيع الطحال والمعدة والفرث والدم والقضيب والخصيتين والمثانة والرحم والمرارة و كذا ذكر فى مسائل العراق عن ابى جعفر [ع]» (مج، ۱۰۴۱).

۲. ۲. ۴. ۶۴. مسائل محمد ابن السّری^{۲۸}

مسائلی است که محمد بن السّری رویانی از ناصر للحق حکایت کرده است (مج، ۷۵۶). هوسمی از این کتاب در *الإبانه* در مبحث معاملات و وصایا نام برده است: «و فی مسائل ابن السری إنّ من شرط صحّة الهدية القبض» (مج، ۷۳۱). در حاشیه *الإبانه* نیز از مسائل ابن السری یاد شده است (مج، ۴۴۰، ۵۶۸، ۵۹۲).

۲. ۲. ۴. ۶۵. مسائل موسی بن احمد الكلاری

در کتاب *النکاح الإبانه* به نقل از این کتاب آمده است: «قال الناصر للحق (ع) فی مسائل موسی بن احمد: حقّ الرجل علی المراءة أن تطیعه بما كان لله تعالی فی طاعة» (مج، ۴۵۳). در حاشیه *الإبانه* نیز از آن یاد شده است (مج، ۳۹۲).

۲. ۲. ۴. ۶۶. مسائل النکاح

از این رساله در حاشیه *الإبانه* نام برده شده است: «و ذکر الناصر للحق فی مسائل النکاح: إنّ ضرب الدّف محظور عند النکاح والعروسات و نصره الشیخ و مثله ذکر (ع) فی الأحکام و کان ابوالعباس الحسنی یحمل ذلك علی الدّف المدورّ الذی یستعمل المغنّون و اما المرتفع کالغرابیل فلا بأس اذا لم یضرب علی طریق الغناء» (دا، تصویر ۱۷۶ و ۱۷۴).

۲. ۲. ۴. ۶۷. مسائل یحیی بن اکثم = جوابات یحیی بن اکثم

در حاشیه *الإبانه* از رساله‌ای با عنوان *جوابات یحیی بن اکثم* یاد شده و از آن نقل است که: «لایجوز اقرار الوکیل علی الموکّل عنده (ع) نصّ علیه فی *جوابات یحیی بن اکثم*» (مج، ۸۱۶).

۲. ۲. ۴. ۶۸. مسائل الیمانیات = الیمانیات

از این کتاب در *الإبانه* با هر دو عنوان فوق نام برده شده است. نخست: «قال الناصر للحق (ع) فی الیمانیات: إنّ النساء اللواتی حرّمهن الله تعالی بنصّ الكتاب، أربع عشرة: سبع من النسب و سبع من السبب، فاللاتی من جهة النسب الأم والأخت والبنت والعمّة والخالة و

نگاهی نوبه منابع کهن: در جست‌وجوی آثار و احوال ناصر کبیر / ۳۹

بنت الأخ و بنت الأخت و ...» (مج، ۳۸۳)؛ و دیگری: «و فی مسائل الیمانیات: إن لبن الفحل یحرّم و هو أن یكون للرجل زوجة و لها منه ولد فیکون کل واحد منهما شریکین فی الولد واللبن ...» (مج، ۴۶۳). در برگ پایانی نسخه مجلس شورای اسلامی چند سطر دربارۀ وصیت و احکام احتضار به نقل از الیمانیات آورده و سطرهای پایانی‌اش دربارۀ شرط قبولی توبه است که باید در کمال عقل و فرصت تلافی و اکتساب خیرات و عمل صالح باشد، توبه دم مرگ قبول نیست. ناصر حدیث «اگر یک لحظه قبل از مرگ، کسی توبه کند خداوند می‌پذیرد» را از روایات مرجئه شمرده است (مج، ۱۰۸۶).

در نسخه رسالۀ فی علماء الزیدیه به نقل از بهاء‌الدین آورده است که اینها پاسخ مسائلی است که از یمن وارد می‌شده و ناصر آن زمان، نزد جستان و در دیلم بوده است (مجهول، رسالۀ فی علماء الزیدیه، تصویر ۱۲). ارسال مسائل از شیعیان یمن، آن هم با وجود امام الهادی الی الحق در صنعاء، حکایت از جایگاه علمی والا و شناخته‌شده ناصر دارد.

۲. ۲. ۴. ۶۹. المسترشد

در متن الإبانة از این کتاب نشانی نیافتیم، ولی در حواشی از این کتاب بسیار نام برده شده که نمونه‌هایی از آن را در همین بخش از نظر گذرانیم. مانند: «و ذکر (ع) فی المسترشد و المسائل و کتاب العلل ...». و «ذکر الناصر للحق (ع) فی المسترشد» (مج، ۱۲۴، ۲۸۹، ۲۸۹). افندی می‌نویسد ممکن است این کتاب همان الامامة الصغیر یا الکبیر باشد (افندی، ۱۴۰۱: ۲۸۰/۱). شیخ بهایی در رسالۀ اثبات وجود القائم حدیث خالی نبودن زمان از حجت را از این کتاب چنین نقل کرده است: «إن الارض لمن غلبها لاتخلو طرفة عین من حجة قائم لعباده و لاتخلو مادامت السماوات والارض» (جعفریان و لواسانی، ۱۳۹۲: ۶۵).

۲. ۲. ۴. ۷۰. مسئله الحمیل؟

در الإبانة تعبیر «و یتبث الانساب بالاقرار والائتماء والدعوی كما نصّ (ع) فی مسئله الحمیل» (مج، ۸۱۳) آمده است که این تعبیر معمولاً برای آثار ناصر للحق به کار می‌رود. احتمال دارد

استعمال این تعبیر خارج از معمول باشد؛ چون در حاشیه همان، عبارت «لم يذكر (ع) فی مسئله النکول» آمده و در جای دیگر آمده است: «نص (ع) فی التفریعات» (مج، ۴۶۷). اینکه تفریعات و مسئله نکول هم جزء آثار ناصر باشد، محرز نیست.

۲. ۲. ۵. متفرقات

در این بخش کتاب‌هایی که موضوعشان مشترک یا مجهول است، یا فقط یک اثر در آن موضوع آمده، درج می‌شود.

۲. ۲. ۵. ۱. العباسی

از این کتاب در کتاب الصلوة الإیانة نام برده شده است: «هذا أصح لمذهبه (ع) و اشار فی العباسی: الی أنه لا یدخل وقته إلا بظهور کوکب من کواکب اللیل ...» (مج، ۱۲۲). در حاشیه الإیانة نیز از عباسی نام برده شده است: «و ذکر (ع) فی مسائل الدیلم و العباسی ...» (مج، ۳۷۵). از تعبیر دوم چنین برداشت می‌شود که این کتاب از آثار ناصر للحق باشد، ولی در حاشیه الإیانة در توضیح العباسی آورده است: «هو کتاب الإجماع صنفها؟ علی بن محمد بن العباسی من ولد عباس بن علی بن ابی طالب علیهم السلام فنسب کتابه الیه فقیل العباسی» (مج، ۵۶).

۲. ۲. ۵. ۲. کتاب الأنساب

در حاشیه الإیانة درباره بیع ریق و دمع از کتاب الانساب با تعبیر «ذکره الناصر للحق فی کتاب الأنساب» (مج، ۴۶۷) نقل شده است. خرید و فروش براق و اشک و احکام آن هم در آن زمان تأمل برانگیز است.

۲. ۲. ۵. ۳. کتاب التفضیل ... ۲۹

در حاشیه الإیانة آمده است: «و ذکر الناصر للحق (ع) فی کتاب التفضیل ... لو أعطی الی الیتیم طعاما او کسوة بنية المظالم لم یجزی عنها» (مج، ۵۳۱).

۲.۲.۵.۴. کتاب الدعوة الی جعفر بن طاهر الطاهری

در الإبانة از عهدنامه‌ای به جعفر بن طاهر نام برده شده است: «و قال (ع) فی العهد الذی کتبه الی جعفر بن طاهر: ^{۳۰} و علیه أن یتخذ کاتباً ینجی یدیه فینبغی أن یکون ثقة مضطلعاً للقیام بما فوض الیه من امر الکتابة» (دا، تصویر ۴۱۷). در رساله فی علماء الزیدیه آمده است: «ناصر للحق قضاوت کلار، لتسرا؟، چالوس و روستای استار؟ را به وی سپرده بود» (مجهول، رساله فی علماء الزیدیه، تصویر ۱۲). عبارت موجود در الإبانة نیز مؤید آن و درباره استخدام و شرایط لازم برای منشی دیوان است.

۲.۲.۵.۵. کتاب الدیاج

در حاشیه الإبانة به نقل از این کتاب آمده است: «و عن عبد الله بن عمر عنه (ع): علیکم بالطاعة ما لم یتفرق الناس فاذا تفرقوا فالقاتل والمقتول فی النار. قال الناصر للحق (ع): المراد بالتفریق، فقد الإمام فی الزمان فإن المقاتلة عند فقدہ لایجوز للاحاد ذکره فی کتاب الدیاج» (مج، ۱۰۶۶).



و در بویوسف خانی الدین حکیم و در بویوسف خانی الدین حکیم و در بویوسف خانی الدین حکیم و در بویوسف خانی الدین حکیم و در بویوسف خانی الدین حکیم
 دوست اللاتی و العقیه شهر و در بویوسف خانی الدین حکیم و در بویوسف خانی الدین حکیم و در بویوسف خانی الدین حکیم و در بویوسف خانی الدین حکیم
 ابوالرضی و العقیه محمد بن صالح و در بویوسف خانی الدین حکیم و در بویوسف خانی الدین حکیم و در بویوسف خانی الدین حکیم و در بویوسف خانی الدین حکیم
 بن خرو و در بویوسف خانی الدین حکیم و در بویوسف خانی الدین حکیم و در بویوسف خانی الدین حکیم و در بویوسف خانی الدین حکیم و در بویوسف خانی الدین حکیم
الفصل الثانی در شرح سبای اصحاب الظاهر و اصحاب الحقیقت و اصحاب السیاسة و اصحاب التوفیق و اصحاب التمام و اصحاب التوحید
 الظاهر علی بن کتاب بطلانی از بقیه داود الاسعانی و ابن جریر الطبری و غیره از سیره ابوبکر الاحمد و ابن
 بن راحویه که در بعضی طووس الیمانی و عکرمه الشافعی و علی بن ابی حمزہ الطائفی است در او
 خطا رخا صافی و در بعضی من عقیه العزیز و شرح التمام و ان عقیه بضم العین و فتح اللام و
 بعد از آن است که در کتاب التمام و در بعضی من عقیه بضم العین و فتح اللام و بعد از آن است که در کتاب التمام و در بعضی من عقیه بضم العین و فتح اللام و
 الظاهر تا به تمام اصحاب الحقیقت تا به تمام اصحاب الحقیقت تا به تمام اصحاب الحقیقت تا به تمام اصحاب الحقیقت تا به تمام اصحاب الحقیقت تا به تمام اصحاب الحقیقت
 و در بعضی من عقیه بضم العین و فتح اللام و بعد از آن است که در کتاب التمام و در بعضی من عقیه بضم العین و فتح اللام و بعد از آن است که در کتاب التمام و در بعضی من عقیه بضم العین و فتح اللام و
 اصحاب الحقیقت هم از این بجهت و بعد از آن است که در کتاب التمام و در بعضی من عقیه بضم العین و فتح اللام و بعد از آن است که در کتاب التمام و در بعضی من عقیه بضم العین و فتح اللام و
 او در بعضی من عقیه بضم العین و فتح اللام و بعد از آن است که در کتاب التمام و در بعضی من عقیه بضم العین و فتح اللام و بعد از آن است که در کتاب التمام و در بعضی من عقیه بضم العین و فتح اللام و
 القیاس بر روح و نقل صاحب تاریخ العلوم ابن عسکری است که در بعضی من عقیه بضم العین و فتح اللام و بعد از آن است که در کتاب التمام و در بعضی من عقیه بضم العین و فتح اللام و
 الرایح الحقیقه فاما اصحاب الرایح الحقیقه فاما اصحاب الرایح الحقیقه فاما اصحاب الرایح الحقیقه فاما اصحاب الرایح الحقیقه فاما اصحاب الرایح الحقیقه فاما اصحاب الرایح الحقیقه فاما اصحاب الرایح الحقیقه
 عامر الخیر و در بعضی من عقیه بضم العین و فتح اللام و بعد از آن است که در کتاب التمام و در بعضی من عقیه بضم العین و فتح اللام و بعد از آن است که در کتاب التمام و در بعضی من عقیه بضم العین و فتح اللام و
 التوحید و فیات التوحید و کتاب بویوسف خانی الدین حکیم و در بویوسف خانی الدین حکیم و در بویوسف خانی الدین حکیم و در بویوسف خانی الدین حکیم و در بویوسف خانی الدین حکیم
 بویوسف خانی الدین حکیم و در بویوسف خانی الدین حکیم و در بویوسف خانی الدین حکیم و در بویوسف خانی الدین حکیم و در بویوسف خانی الدین حکیم و در بویوسف خانی الدین حکیم
 کتاب تاریخ التوحید و فیات التوحید و در بعضی من عقیه بضم العین و فتح اللام و بعد از آن است که در کتاب التمام و در بعضی من عقیه بضم العین و فتح اللام و بعد از آن است که در کتاب التمام و در بعضی من عقیه بضم العین و فتح اللام و
 فی احوال ناصر کبیر و در بویوسف خانی الدین حکیم و در بویوسف خانی الدین حکیم و در بویوسف خانی الدین حکیم و در بویوسف خانی الدین حکیم و در بویوسف خانی الدین حکیم

۳. آثار موجود در نسخه‌های نویافته

۳.۱. درآمد

در بین نسخه‌های کتاب‌خانه کاشف‌الغطا در نجف اشرف، نسخه‌ای با عنوان قراردادی *رسالة فی علماء الزیدیه* به شماره ۱۵۷۳ وجود دارد که تصویری از آن را در اختیار داریم. این رساله حاوی اطلاعات مهمی درباره زیدیان شمال ایران است. ویژگی‌های این نسخه به تفصیل در مقاله سید علی موسوی‌نژاد آمده (موسوی‌نژاد، ۱۳۸۷) است. در اینجا گزارشی کوتاه با توجه به تصویر برگ‌های موجود می‌آوریم. نخست، به علت افتادگی دست‌کم یازده فصل از آغاز این نسخه، عنوان دقیق رساله و محتویاتش روشن نیست. مفقودشدن مقدمه مؤلف و حدود نیمی از فصل‌هایش، کشف ارتباط فصول را مشکل می‌کند؛ مثلاً یک فصل از آن مربوط به آثار ناصر للحق و فصلی در معرفی اصحاب صفه و فصلی مربوط به فرق و مذاهب و فصلی راجع به انساب غریبه و فصل پایانی راجع به اسامی انبیای الهی است که ارتباطشان روشن نیست؛ دوم اینکه، نام مؤلف هم در هیچ جای رساله نیامده، فقط به نام استادان وی، یعنی فقیه حامد خشک‌رودی (مجهول، *رسالة فی علماء الزیدیه*، تصویر ۱، ۴)، علی بن ابراهیم کرفستانی و حسن بن محمد بن علی (متوفای ۷۲۷ ه.ق.) (همان، تصویر ۴) اشاره شده است. به قرینه آوردن نام دیگر «هوسم»، یعنی «رودسر» (همان: تصویر ۱)، که سید رضی آل کیا به جای «هوسم» رایج کرد، نگارش این رساله به احتمال قوی در اواخر سده هشتم یا اوایل سده نهم هجری بوده است.

نام مؤلف نیز احتمالاً حاجی یوسف گیلانی باشد (موسوی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۱۲۲). با توجه به مطابقت قطعی مطلبی درباره ابوالفضل الناصر در این رساله با مطلبی در متفرقات موجود در اول نسخه *الإبانه* که آن را به نقل از حاجی حسین تنه‌جی آورده (دا، تصویر ۷، «قال الفقیه ... الحاجی حسین التنه‌جی»)، به احتمال قوی مؤلف این رساله همان حاجی حسین تنه‌جی است. در پایان فصل هفدهم این رساله با عنوان «الفصل السابع عشر فی تفاصيل العلماء من السادات والفقهاء» راجع به ابوالفضل الناصر آمده است: «و ابو الفضل الناصر فقد عدّه الفقیه

نگاهی نوبه منابع کهن: در جست‌وجوی آثار و احوال ناصر کبیر / ۴۵

حسین بن محمد بن صالح من المشایخ و غیره من جملة المتأخرین والله اعلم» (مجهول، رساله فی علماء الزیدیه، تصویر ۱۰). این مطلب در حاشیه مشایخ زیدیه شمال ایران، در نسخه الایانة دانشگاه با عنوان «فصل فی تفاصيل العلماء من السادات والفقهاء» چنین آمده است: «قال الفقيه العالم حاجی حسین التنهجی رحمه الله أما ابو الفضل الناصر فقد عدّه الفقيه حسین بن محمد بن صالح من المشایخ و غیره من جملة المتأخرین والله اعلم» (دا، تصویر ۷). تمامی فصل هفدهم این رساله نیز با اندک اختلافی در نسخه دانشگاه آمده است. با وجود این قرینه، به احتمال قوی، مؤلف این رساله همان حاجی حسین تنهجی است. اگر حاجی حسین تنهجی مؤلف این رساله باشد، در حاشیه دیگری، درباره مسائل ارث از وی چنین یاد شده است: «أفتی به الفقيه المغفور المرحوم حاجی حسین بن احمد بن تورانشاه التنهجانی الگرمودی الزیدی الناصری» (دا، تصویر ۹). همچنین، درباره حکم دیه کسی که با ضربه اندکی بمیرد آمده است: «أفتی به حاجی حسین بن احمد تنهجانی» (دا، تصویر ۳۴۹). با این قراین می‌توان گفت مؤلف رساله علمای زیدیه، فقیهی بزرگ و بزرگ‌زاده از گرمود تنهجان بوده است. در نسخه مجلس شورای اسلامی مطلبی به نقل از سید هادی کیا از نسخه حاجی حسین بن احمد گرمودی به سال ۸۰۸ ه.ق. نقل شده (مج، ۷۶) و تعبیر «مرحوم» را که در نسخه دانشگاه آمده، برای او به کار نبرده است. این گزارش احتمال حیات وی در سال ۸۰۸ ه.ق. را تقویت می‌کند.

در حاشیه دیگری مطلبی در وجوب بسمله تحریر و در ذیل آن آمده است: «کتبته من نسخة الفقيه العالم العامل الفقيه حاج حسین رحمه» (دا، تصویر ۳۳). در جای دیگر آمده است: «أفتی حاجی حسین بن احمد تنهجانی» (دا، تصویر ۳۴۹). به احتمال قوی، وی صاحب‌اثر بوده، ولی در کتب تراجم نشانی از او نیافتیم. درباره نام کتاب هم به قرینه‌ای دست یافتیم که علاوه بر تأیید نام مؤلف، می‌تواند عنوان احتمالی برای رساله باشد.

در حاشیه عبارت «قال الناصر للحق فی مسائل موسی بن احمد: حق الرجل...» در کتاب الایانة آمده است: «الکَلَّارِی، من السیر الفقیه المرحوم الفقیه حاجی حسین التنهجانی» (دا، تصویر ۱۹۸).^{۳۲} محشی در این حاشیه کوتاه به شهرت موسی بن احمد، یعنی کَلَّارِی، اشاره

می‌کند و می‌نویسد این مطلب در «السير» حاجی حسین تنه‌جانی آمده است. در نسخه علمای زیدیه نیز شهرت «کلاری» بعد از نام موسی بن احمد آمده است (مجهول، رساله فی علماء الزیدیه، تصویر ۱۲). اگر این احتمالات درست باشد، عنوان دقیق نسخه علمای زیدیه، کتاب السير و مؤلف آن حاجی حسین بن احمد بن تورانشاه گرم‌رودی تنه‌جانی^{۳۳} است. فصل نوزدهم (همان: تصاویر ۱۰-۱۳) این رساله در ذکر آثار ناصر للحق است که یکی از منابع آن نیز نسخه‌های الإبانة بوده است (همان: تصویر ۱۱). در پایان فصل نوزدهم آمده است که آثار ناصر للحق طبق گزارشی بیش از سیصد اثر در مذهب قاسمیه است.^{۳۴} آثاری را که در این رساله آمده بود و در الإبانة نشانی از آنها یافتیم در فصل دوم آوردیم و آثاری را که فقط در این رساله آمده است و اطلاعاتی از آنها نداریم در این فصل می‌آید.

۳. ۲. عقاید و کلام

۱. الإمامة الصغیر یا کتاب الصغیر فی الإمامة (نجاشی، ۱۴۱۸: ۵۷؛ آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۱/۳۲۴)؛ ۲. کتاب آخر فی أصول الدین؛ ۳. کتاب الإحتجاج؛ ۴. کتاب أصول الدین الصغیر؛ ۵. کتاب أصول الدین الکبیر؛ ۶. کتاب أصول الدین المتوسط؛ ۷.^{۳۵} کتاب الأصول فی إثبات الإمامة والأئمة من ولد امیر المؤمنین (ع)؛ ۸. کتاب الإمام المقترض الطاعة؛ ۹. کتاب التوحید و إثبات النبوة؛ ۱۰. کتاب التوحید والعدل والإمامة و أبواب الطهارة والصلوة؛ ۱۱. کتاب الحجج للمتعلیمین والتوحید والإیمان و حقائق الدین؛ ۱۲. کتاب الحجج الواضحة بالدلائل الراجحة فی الإمامة علی الطريقة الزیدیه یا الدلائل الواضحة والحجج الناصحة (رحمتی، ۱۳۸۳-۱۳۸۴: ۷۸) یا روضة المتوسمین فی الإمامة (مجهول، رساله فی علماء الزیدیه، تصویر ۱۰) مشتمل بر دلایل امامت امام علی (ع) که به وجه نیکویی مطرح شده است (محلّی، ۱۴۲۳: ۵۸/۲). همچنین، از قول ناصر للحق آورده است که فرقه ناجیه‌ای که پیامبر (ص) آن را استشنا فرمودند فرقه زیدیه است (مجهول، رساله فی علماء الزیدیه، تصویر ۱۸)؛ ۱۳. کتاب الدعائم الإیمان والإسلام؛ ۱۴. کتاب ردّ حمر البخاری؛ ۱۵. کتاب الرد علی الخوارج یا کتاب الخوارج؛ ۱۶. کتاب صفة الإمام؛ ۱۷. کتاب فی النقض علی أبی بکر الأصم فی الأصول؛ ۱۸. کتاب فی النقض علی ابن الراوندی.^{۳۶}

۳.۳. تاریخ و سیره

۱. أربعة كتب في الدعوة؛ ۲. كتاب الأخبار عن الأئمة؛ ۳. كتاب الی ابن العباس بن فرّخ و فتوح الديلم و طاعة جستان؛ ۴. كتاب خروجه (ع)؛ ۵. كتاب الدعوة الی اسماعیل بن احمد الخراسانی (مجهول، رسالة فی علماء الزیدية، تصویر ۱۲)؛ ۶. كتاب الدعوة ايضاً الی جعفر بن طاهر الطاهري؛ ۷. كتاب الدعوة الی جميع المسلمين؛ ۸. كتاب الدعوة الی محمد بن نصر الروياني؛ ۹. كتاب الرسائل والفتوح.

۳.۴. فقه

۱. ثلث كتب صغار شبيه المسائل؛ ۲. كتاب الإجارة؛ ۳. كتاب الأئمة؛ ۴. كتاب تحريم نكاح المشركات؛ ۵. كتاب الخضاب؛ ۶. كتاب الدعوى؛ ۷. كتاب العتق؛ ۸. كتاب العفو؛ ۹. كتاب القسمة؛ ۱۰. كتاب الهبات؛ ۱۱. كتاب الوقف؛ ۱۲. مسائل الإجارة؛ ۱۳. مسائل الأئمة والأشربة؛ ۱۴. مسائل الإكفاء؛ ۱۵. مسائل الأيمان؛ ۱۶. مسائل الحج؛ ۱۷. مسائل الحدود؛ ۱۸. مسائل الحسن بن احمد بن الحسين النيروسي؛ ۱۹. مسائل الخضاب؛ ۲۰. مسائل الخراساني؛ ۲۱. مسائل الخوازمي؛ ۲۲. مسائل الدعوى؛ ۲۳. مسائل الديات؛ ۲۴. مسائل السجستاني؛ ۲۵. مسائل الشهادات؛ ۲۶. مسائل شتّى؛ ۲۷. مسائل الشفعة؛ ۲۸. مسائل الصلح؛ ۲۹. مسائل الصلوة؛ ۳۰. مسائل الصوم؛ ۳۱. مسائل العتق والتدبير؛ ۳۲. مسائل الفرائض؛ ۳۳. مسائل السير؛ ۳۴. مسائل القسمة؛ ۳۵. مسائل القسمة؛ ۳۶. مسائل محمد بن ميسر؛ ۳۷. مسائل المزارعة؛ ۳۸. مسائل المهدي؛ ۳۹. مسائل البخاري؛ ۴۰. مسائل النذور؛ ۴۱. مسائل الوصايا؛ ۴۲. مسائل الوكالة؛ ۴۳. مسائل الهبات.

۳.۵. متفرقات

۱. أنساب الطالبين؛ ۱. تفسير تسع سور من القرآن؛ ۲. كتاب الأشعار يا ديوان الناصر للحق، شعر و ادب در خاندان ناصر موروثی بوده است. پدر ناصر و فرزندانش در شعر و ادب چیره‌دست بودند. گردآوری اشعار پراکنده آنها می‌تواند موضوع پژوهشی ادبی باشد. ناصر کبیر گاه با بيتی حاضران را مسحور کلام خود می‌کرد و گاه به فکاهه‌ای گره از ابروی

حاضران می‌گشود و گاه با مرثیه شهیدان بی‌سر و اجساد به خاک افتاده در غربت و اسیران سیاه‌چاله‌ها، روح حماسه را طراوت می‌بخشید (ابوطالب هارونی، ۱۴۳۵: ۱۰۸). در کتاب‌های تراجم، مانند *الحداثق الوردیة* (محلی، ۱۴۲۳: ۷۷-۷۳/۲) و در مقدمه *الاحتساب* نمونه‌هایی از قصاید و اشعار ناصر آمده است. سزگین در ذکر آثار ناصر از قصیده‌ای با تخمیس «صالح بن عبدالله بن مغل» نام برده و به وجود نسخه‌ای از آن در موزه بریتانیا به شماره ۱۲۱۹ اشاره کرده است (سزگین، ۱۴۱۲: ۳۴۳/۳)؛ ۳. کتاب *ابطال المستعین*؛ ۴. کتاب *اختلاف العلماء*؛ ۵. کتاب *جامع الکلبی*؛ ۶. کتاب *الخطب*؛ ۷. کتاب *الستیاج*؛ ۸. کتاب *الشذوذ*؛ ۹. کتاب *فی تسمیة أزواج النبی (ص)*؛ ۱۰. کتاب *لقاء المبادلة*؛ ۱۱. کتاب *المجالس*؛ ۱۲. کتاب *مقالات الشیعة*؛ ۱۳. کتاب *موافاة النبی (ص)*؛ ۱۴. کتاب *موضع الحق*؛ ۱۵. کتاب *النجوم*؛ ۱۶. کتاب *وضوح النصح* که در دیلمان نگاشته شده است.

تکمله

در ذکر آثاری که در نسخه‌های *الإبانة* و نسخه علمای زیدیه نشانی از آنها نیافتیم و انتسابشان به ناصر با تردید همراه است:

۱. *الصفی*، در مقدمه عبدالکریم احمد جدبان بر کتاب *البساط* از این کتاب نام برده شده است (ناصر اطروش، ۱۴۱۸: مقدمه: ۱۵)؛ ۲. *الظلامة الفاطمیة* (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۲۰۱/۱۵)؛ ۳. *فصاحة ابی طالب* (نجاشی، ۱۴۱۸: ۵۸؛ آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۲۲۵/۱۶). در حاشیه *الإبانة* مطالبی در ایمان ابوطالب و روایتی از امام علی (ع) و امام صادق (ع) در فضایل ابوطالب آمده است (مج، ۷). سوگمندانه این برگ رطوبت دیده و خواندنش دشوار است؛ ۴. *انساب الأئمة و موالیدهم الی صاحب الأمر (ع)* (نجاشی، ۱۴۱۸: ۵۸، آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۲۳۶/۲۳)؛ ۵. کتاب *الأذان والإقامة* (ابن ندیم، ۲۰۰۶: ۱۹۳/۱)؛ ۶. کتاب *الشهداء و فضل اهل الفضل منهم* (نجاشی، ۱۴۱۸: ۵۸، آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۲۵۹/۱۴)؛ ۷. کتاب *فدک والخمس* (نجاشی، ۱۴۱۸: ۵۷-۵۸؛ آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۱۲۹/۱۶)؛ ۸. *المسائل الناصریة/ المسائل الطبریة/ الفقه الناصریة* (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۲۹۹/۱۶)، سید مرتضی

نگاهی نو به منابع کهن: در جست‌وجوی آثار و احوال ناصر کبیر / ۴۹

آن را محور کتابی در فقه الخلاف و مقایسه آن با دیگر مذاهب و امامیه قرار داده است. در اینکه مسائل، کتابی مستقل و از آثار ناصر بوده یا از آثار ناصر، گرفته شده باشد، گزارش‌های مختلفی وجود دارد. محقق آخرین چاپ کتاب، سید حسن موسوی بروجردی، قرآینی در انتزاع این مسائل از فقه ناصر و عنوان مستقل نبودنش ذکر کرده است (موسوی بروجردی، در: شریف مرتضی، ۱۴۱۷: مقدمه، ص ۲۰۴-۲۱۳).^{۳۹} قریب ۳۷ نسخه از این کتاب در کتابخانه‌های ایران و عراق گزارش شده (نک: درایتی، ۱۳۹۱: ۳۱۰/۲۹-۳۱۲؛ همو، ۱۳۹۹: ۴۹۳/۱۴-۴۹۴) و چندین بار نیز به چاپ رسیده است. در سال‌های اخیر بدون تعلیقات سید مرتضی و با تعلیقات اندک بدرالدین الحوثی به سال ۱۴۱۸ ه.ق. گویا به صورت دیجیتالی منتشر شده است.^{۴۰} آخرین چاپی که از این کتاب سراغ داریم با تحقیق و مقدمه ارزشمند سید حسن موسوی بروجردی است که به همت انتشارات آستان قدس رضوی در سال ۱۳۹۹ به چاپ رسیده است؛^۹ معاذیر بنی هاشم فیما تقم علیهم (نجاشی، ۱۴۱۸: ۵۸؛ آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۱۷۸/۲۱)؛^{۱۰} النصوص (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۱۷۹/۲۴)، آقابزرگ تهرانی به نقل از مطلع البدور در توضیح این کتاب آورده است که شاگردش، عبدالله بن حسن الایوازی الرویانی، آن را بر ناصر قرائت کرده است. گویا همان جوامع النصوص است که در آغاز کتاب الإحتساب از آن نام برده شده است (ناصر اطروش، ۱۴۲۳: ۳۸). در سادات متقدمه گیلان عناوین تبیان فی عمل شهر رمضان، نهج السالک إلى معرفة المناسک، اجاج الشیعة بمصباح الشریعة، کتاب التنبیه، کتاب النوادر، کتاب المتعة، نقض الجامع (ردیه‌ای بر کتاب حسین بن قاسم رسی)، کتاب فی امامة جعفر بن محمد الصادق (ع)، برای ناصر ذکر شده است (مهدوی سعیدی لاهیجانی، بی‌تا: ۳۹۰-۳۹۱).

آنچه در این نوشتار به عنوان آثار ناصر للحق آوردیم صرفاً بخشی از آثار او است که رد و نشانی از آنها یافتیم. بی‌شک آثار بسیار دیگری از او وجود داشته که مانند دیگر آثار شیعه مفقود شده است.

نتیجه

در این نوشتار با برشمردن فهرست آثار متعدد ناصر کبیر و گوشه‌هایی از زندگی وی کوشیدیم نقش استثنایی و اهمیت کم‌نظیر ناصر اطروش را در نشر اسلام و مذهب تشیع و نیز ارتقای معارف و فرهنگ شیعی در شمال ایران بازخوانی کنیم. ناصر کبیر متفکری برجسته و عالمی عامل بود که توانست با سلاح علم و عمل، شمال ایران را، که سال‌ها در برابر گسترش اسلام مقاومت می‌کرد، فتح کند. از نتایج مهم این نوشتار، علاوه بر بازگوکردن نکات جدید در آثار و احوال ناصر، کشف عنوان و مؤلف اثری بسیار مهم در مطالعات زیدیه است.^{۴۱}

پی‌نوشت‌ها

۱. این نسخه در فهرست کتاب‌خانه چستریتی به عنوان *الجامع لمذهب الناصر للحق*، از شریف مرتضی معرفی شده است.
۲. تاکنون تصحیح دو کتاب طهارت و صلوات *الإبانه* را انجام داده‌ام.
۳. در *الإفاده* هارونی، ص ۱۰۱، سهو القلمی رخ داده و نام وی «محمد بن عبدالله جحستانی» ثبت شده است.
۴. برای آگاهی بیشتر از حاکمان جستانی نک: *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، ۱۲۲/۱۸-۱۳۱.
۵. در متن *الإبانه* «جستان بن ماناذر» آمده و در حاشیه نام جد او «ابراهیم» و از اهالی روستا ثبت شده است.
۶. در *الإبانه* آمده است: «و قال فی بعض سیره إن الذی اتفق لنا من التأيید والنصرة و وقم الأعداء لیس من فعلنا لكن الله تفرّد بصنعه».
۷. «سبع لیل بقین من شهر شعبان و دفن یوم الجمعة»؛ شاید منظور نویسنده از عبارت «سبع لیل بقین من شعبان» این باشد که ناصر در شب وفات کرده است که با تطبیق تقویم حدوداً چهارشنبه شب ۲۳ شعبان، مطابق با پنجم اسفند ۲۹۵ ه.ش. بدرود حیات گفته و در روز جمعه به خاک سپرده شده است.
۸. «أناف علی سبعین ذا الحول رابع و لابدلی أنى إلى الله راجع و صرت أبا جدّ تقومنی العصا أدب کأنی کما قمت راکع».
۹. این گزارش که آیا ناصر للحق به زبان‌های دیگر آشنایی داشته یا ترجمه کتب آسمانی در دسترس او بوده است، پژوهش ویژه‌ای می‌طلبد.

نگاهی نو به منابع کهن: در جست‌وجوی آثار و احوال ناصر کبیر / ۵۱

۱۰. در مقدمه *المسائل الجارودیه*، ص ۸ سهوالقلمی رخ داده و آثار ناصر کبیر برای داعی صغیر ضبط شده است.

۱۱. برای آشنایی با شرح حال بستی، نک: *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، ۱۲/۱۲۳-۱۲۴. استخراج آرای بستی از حواشی *الایاتة* در شناخت وی کمک شایانی خواهد کرد.

۱۲. سزگین در *تاریخ التراث*، ج ۳، ص ۳۴۲، *الایاتة* را ذیل آثار ناصر آورده است. در مقدمه *البساط*، ص ۱۴، *المعنی*، *المسفر*، و *الصفی* را جزء آثار ناصر آورده است. احمد محمود صبحی نیز در کتاب *فی علم الکلام*، ۱۵۴/۳، آثار ناصر را درست گزارش نکرده و جمع‌آوری *الایاتة* را به ابو عبدالله بن موسی نسبت داده است. در برگ‌های آغازین *الایاتة* نسخه دانشگاه، درباره مشایخ ناصریه آمده است: «صاحب الهدایة شیخ ابو طالب سولشی از مشایخ ناصریه و المسفر علی بن محمد ایرانی است» و در نسخه مجلس، ص ۶۸۸ هم آمده است: «ذکر الشیخ علی بن محمد فی المسفر والشیخ ط [ابو طالب] فی الهدایة لمذهب الناصر للحق (ع)».

۱۳. به سبب مفقودبودن اکثر قریب به اتفاق آثار ناصر للحق، تقسیم‌بندی موضوعی آنها متقن نیست و برخی با حدس و گمان است.

۱۴. عنوان دیگر *بیان التوحید والعدل* است که قبلاً بدان اشاره شده است.

۱۵. در تصویر ۲۵ نیز از *البساط* نام برده است. تصویری از نسخه مجلس شورای اسلامی به شماره ۸۳۰۹ بدون برگ‌شمار در اختیار من است.

۱۶. عنوان دیگر *بیان التوحید والعدل* است که قبلاً بدان اشاره شده است.

۱۷. استفاده از ادبیات عرب در تفسیر قرآن یکی از امتیازات مفسر محسوب می‌شود و در تفاسیر مهم و کهن، مانند تفسیر کشاف که زیدیان بسیار به آن علاقه دارند، این شیوه برجسته است. حال اگر هزار بیت در یک تفسیر آمده باشد بسیار در خور توجه و تأمل است. به اتفاق هادی نصیری، مقاله‌ای در معرفی تفسیر ناصر، آماده کرده‌ایم که به‌زودی در اختیار پژوهشگران قرار خواهد گرفت.

۱۸. در ادامه روایت در توضیح مخابره آمده است: «ای فعل اهل خیر». در ص ۷۵۴ نسخه مجلس، تصویر ۱۳۳ و ۵۰۱ نسخه دانشگاه، و برگ ۷۲ نسخه مرعشی از این کتاب نام برده‌اند.

۱۹. در نسخه دانشگاه، تصویر شماره ۱۳۸، ابراهیم بن جارود آمده است. در *رساله علمای زبیدی* آمده است که ایواز از روستاهای رویان است.

۲۰. در حاشیه نام سائل ابراهیم بن جارود ایوازی آمده است.

۲۱. «فی جامعیه» صحیح است. در مقدمه عمادی بر *الایاتة*، ص ۱۰ که «فی جامعیه» آمده گویا سهوالقلمی رخ داده است.

۲۲. در جست‌وجوی نرم‌افزاری ابتدایی روشن شد این روایت در کتب اربعه شیعه نیامده، ولی در دعائم الإسلام قاضی نعمان و کشف الصدق حلّی و عوالی اللئالی ابن‌ابی‌جمهور آمده است.
۲۳. ابوالقاسم بستی در شرح الموجز آورده است: ابوحنیفه به خانه امام صادق (ع) رفت و دید امام موسی کاظم (ع) در کودکی فتوا می‌دهد. ابوحنیفه از محل قضای حاجت پرسید و حضرت حدیث مناهی آن را بیان فرمود؛ نک: مج، ۶۰.
۲۴. یکی از مشترکات فقه ناصر با امامیه مسئله باطل بودن سه طلاق در یک مجلس است. ناصر به روایات امام صادق (ع) استناد کرده است.
۲۵. نصره الحقیقی فی شرح المسائل؛ درباره احوال و آثار سادات منتسب به حقیقه مدینه که به شمال ایران مهاجرت کردند، سخن بسیار است.
۲۶. عبدالسلام وجیه در شرح حال وی سه تعبیر «بناندشتی»، «باندشتی» و «بانودشتی» را به کار برده است؛ وجیه، ۱۴۲۰: ۷۲۳.
۲۷. سوای تقویت جسم و نفس، حرکت روح و زیادتی ذکاوت و فهم، از خواص ورزش چوگان دانسته شده است؛ نک: عقیلی خراسانی، ۱۳۸۵: ۸۵۷/۲.
۲۸. در حاشیه ص ۱۰۶۶ حکایتی از وی در مقام ناصر آمده است: «و عن ابی الحسن بن علی السری الشعیری قال: رأیت فی المنام کأنی بسحابة بیضاء صاعدة فی الهواء یسطع منها النور و اسمع فیها صوتا فی السماء و الارض مثل الناصر للحق (ع)، قال: فانتهت من منامی ذلک متعجبا ثم نمت کرات فی هذه اللیلة فسمعت کذلک».
۲۹. گویا یک کلمه دیگر دارد، ولی در تصویر نسخه خوانا نیست.
۳۰. در حاشیه و در توضیح آن نوشته است: «عامل ناصر للحق علی الرویان».
۳۱. «فالصاع فی زماننا هذا فی تاریخ ثمان و ثمانمائة فی جیلان مائتان و سبعون درهما، ذکره هادی کیا و کتب هو من نسخه حاجی حسین بن احمد گرم‌رودی».
۳۲. این حاشیه در نسخه مجلس شورای اسلامی، چستریبی و مرعشی نیامده است. در تصویر ۹۰ نسخه دانشگاه نیز به السیر حاجی حسین اشاره شده است.
۳۳. تنهيجان، تنهيجان، تنهيج ولايتی است با مرکزیت جواهرده، منطبق با سخت‌سر در بخش جنوبی رامسر و دارای آب گرم معدنی به نام «گرم‌رود» که روزگاری مرکز حکومت آل کیا، از جمله سید رکاب‌زن کیا حسنی بوده است؛ نک: سجادی، ۱۳۷۸: ۲۱۳، ۲۸۷، ۴۸۲، ۴۸۳، ۵۱۱.
۳۴. ناصر مدرسه‌ای فقهی متمایز از قاسم رسی داشته، و منظور مؤلف از این عبارت روشن نیست.

نگاهی نو به منابع کهن: در جست‌وجوی آثار و احوال ناصر کبیر / ۵۳

۳۵. از کتاب *أصول الدین در الإبانة* نقل شده است، ولی محرز نشد با کدام یک از این سه عنوان متحد است.
۳۶. در حاشیه نسخه مجلس شورای اسلامی، ص ۴۱۱، نکته عجیبی درباره امامیه، به نقل از ابو جعفر هوسمی، آمده است: «آنها گرچه الآن زیاد هستند ولی در اول زیاد نبودند و ابن‌راوندی این مذهب را برای تقرب به عباسیان ظاهر کرد». برای آگاهی بیشتر درباره عقاید و آثار ابن‌راوندی نک: *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، ۵۳۱/۳-۵۳۹.

۳۷. شاید درباره سیره و جنگ‌های ناصر للحق باشد. ابوالحسین زاهد، سیره ناصر را گرد آورده و کتاب *الذخائر فی سیره الامام الناصر للحق (ع)* نامیده است.

۳۸. این عنوان در پایان فهرست آثار ناصر للحق آمده و ممکن است منظور نویسنده معنای لغوی کلمه باشد.

۳۹. مقدمه و تحقیق ایشان به سبب استفاده از منابع خطی، به ویژه *الإبانة*، پر بار و سودمند است.

۴۰. در مقدمه سهوالقلمی رخ داده و شرح *ناصریات* را به شریف رضی نسبت داده است. مقدمه‌نویس برای تجرید کتاب از توضیحات شریف مرتضی به چهار دلیل سست تمسک جسته است.

۴۱. در پایان از سید علی موسوی‌نژاد که در به سامان رسیدن این پژوهش یاری‌ام کردند و نیز از زحمات و دقت نظر ابوالفضل حافظیان، از استادان برجسته حوزه کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی، سپاس‌گزارم.

منابع

- آربری. آرثر ج. (۱۹۶۲). *فهرس المخطوطات العربية في مكتبة تشستريتي، ترجمه: محمود شاکر سعید، عمان: المجمع الملكي لبحوث الحضارة الاسلامية (مؤسسة آل البيت (ع))*.
- آقابزرگ تهرانی، محمد محسن (۱۴۰۳). *الذريعة الى تصانيف الشيعة، بيروت: دار الاضواء، الطبعة الاولى*.
- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله (۱۳۸۵). *شرح نهج البلاغة، تحقیق: محمد ابو الفضل ابراهیم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، الطبعة الثانية*.
- ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۸۵). *الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر، دار بیروت، الطبعة الاولى*.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۸۰). *معالم العلماء، نجف: مطبعة الحیدریة، الطبعة الاولى*.
- ابن ندیم، محمد ابن ابی یعقوب (۲۰۰۶). *الفهرست، تحقیق: جوستاف فلیجل، محمد عونى عبد الرؤف و ایمان السعید جلال، بر اساس تحقیق فلوجل، قاهره: الهيئة العامة لقصور الثقافة*.
- ابوظالب هارونی، یحیی بن حسین (۱۴۳۵). *الإفادة فی تاریخ الائمة السادة، صعده: مكتبة اهل البيت (ع)، الطبعة الاولى*.
- اردبیلی غروی حائری، محمد بن علی (۱۴۰۳). *جامع الرواة، قم: مكتبة آية الله العظمى المرعشى النجفی، الطبعة الاولى*.
- افندی اصفهانی، عبد الله (۱۴۰۱). *رياض العلماء و حياض الفضلاء، تحقیق: سید احمد حسینی اشکوری، قم: کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی، چاپ اول*.
- امین عاملی، سید محسن (۱۹۸۳). *اعیان الشيعة، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، الطبعة الاولى*.
- تنهجي، حسین بن احمد (بی تا). *کتاب السیر، بی جا: مكتبة كاشف الغطاء، الرقم ۱۵۷۳*.
- جعفریان، رسول؛ لواسانی، سید محمدرضا (۱۳۹۲). «رسالة اثبات وجود صاحب الزمان نوشته شیخ بهایی»، در: *آیینه میراث*، ش ۵۲، ص ۶۳-۸۴.
- جودکی، محمد؛ و دیگران (۱۴۳۳). *موسوعة مؤلفی الامامية، قم: مجمع الفكر الاسلامی، الطبعة الاولى*.
- حائری، عبدالحسین (۱۳۴۶). *فهرست نسخه های کتابخانه مجلس شورای ملی، تهران: چاپخانه مجلس، ۱۳۴۶*.

نگاهی نوبه منابع کهن در جست‌وجوی آثار و احوال ناصر کبیر / ۵۵

حسینی، احمد بن ابراهیم (۱۴۲۳). *المصابیح*، تحقیق: عبد الله بن عبد الله بن احمد الحوثی، صعدة: مؤسسة الامام زيد بن علي الثقافية، الطبعة الثانية.

حسینی اشکوری، سید احمد (۱۳۷۳). *فهرست نسخه‌های خطی کتاب‌خانه آیت‌الله العظمی مرعشی*، قم: کتاب‌خانه آیت‌الله مرعشی نجفی، چاپ اول، ج ۲۳.

دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۵۷). *فهرست نسخه‌های خطی کتاب‌خانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران*، تهران: دانشگاه تهران، ج ۱۶.

درایتی، مصطفی (۱۳۹۴). *فهرستگان نسخه‌های خطی ایران*، تهران: سازمان اسناد و کتاب‌خانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲۹.

درایتی، مصطفی؛ درایتی، مجتبی (۱۳۹۸). *معجم المخطوطات العراقية: فهرس الناسخين*، تهران: سازمان اسناد و کتاب‌خانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

دیلمی، محمد بن احمد (بی‌تا). *قواعد عقائد آل محمد (ص)*، نسخه عکسی از مجموعه طاووس یمانی، قم: مرکز احیاء میراث اسلامی، ش ۳۸۰.

رحمتی، محمدکاظم (۱۳۸۳-۱۳۸۴). «نکاتی درباره آثار برادران هارونی»، در: *کتاب ماه دین*، ش ۸۹-۹۰، ص ۷۴-۸۱.

رضازاده لنگرودی، رضا (۱۳۸۸). «حسن اطروش» در: *دانش‌نامه جهان اسلام*، تهران: بنیاد دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.

سجادی، سید محمدتقی (۱۳۷۸). *تاریخ و جغرافیای تاریخی رامسر*، تهران: معین، چاپ اول. سزگین، فؤاد (۱۴۱۲). *تاریخ التراث العربی*، ترجمه: محمود فهمی حجازی، قم: مکتبه المرعشی، الطبعة الثانية.

شریف مرتضی (علم الهدی)، علی بن حسین (۱۴۱۷). *المسائل الناصریات*، مقدمه: سید حسن موسوی بروجردی، تهران: مجمع جهانی اهل بیت (ع).

شهردویر دیلمی، ابوالفضل بن شهردویر (بی‌تا). *تفسیر کتاب الله*، تهران: کتاب‌خانه مجلس شورای اسلامی، ش ۸۳۰۹.

صبحی، احمد محمود (۱۴۱۱). *فی علم الکلام: دراسة فلسفیه لأراء الفرق الإسلامیة فی أصول الدین*، بیروت: دار النهضة العربية، الطبعة الثانية.

- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۰). *رجال الطوسی*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
- عقیلی خراسانی، محمدحسین (۱۳۸۵). *خلاصه الحکمة*، قم: اسماعیلیان، چاپ اول.
- علی زاده، رجب‌علی؛ و دیگران (۱۳۹۶). «میراث سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ناصر اطروش در دیلمان، گیلان و طبرستان»، در: *تاریخ تمدن اسلامی*، س ۵۰، ش ۲، ص ۲۰۹-۲۳۲.
- عمادی حائری، سید محمد (۱۳۸۹). «مقدمه الإبانة»، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- قوجایی خامنه، مریم؛ موسوی نژاد، سید علی (۱۳۹۵). «معرفی تفسیر کتاب الله و تبیین گرایش‌های زیدی و ولایی مفسر»، در: *مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی*، س ۱۲، ش ۴۵، ص ۵۳-۶۳.
- مادلونگ، ویلفرد (۱۹۸۷). *أخبار أئمة الزيدية في طبرستان و ديلمان و جيلان (المنتزع من التاجي في أخبار الديلمية لإبراهيم بن هلال الصابي)*، بيروت: المعهد الألماني للأبحاث الشرقية.
- مامقانی، عبد الله (۱۴۲۷). *تنقيح المقال في علم الرجال*، تحقيق: محيي الدين مامقاني، قم: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، الطبعة الأولى.
- مجهول (بی‌تا). *رسالة في علماء الزيدية*، بی‌جا: مکتبه کاشف الغطاء، الرقم ۱۵۷۳.
- مجهول (بی‌تا). *رسالة في فقه الناصر*، نسخه عکسی، بی‌جا: مرکز احیاء التراث الاسلامی، ۹۴۸/۲، کتابت: سده دوازدهم.
- محلی، حمید بن احمد (۱۴۲۳). *الحداثی الوردیة*، تحقیق: مرتضی بن زید محظوری حسنی، صنعاء: مرکز البدر.
- مرعشی، ظهیرالدین (۱۳۴۵). *تاریخ طبرستان و رویان و مازندران*، تهران: مؤسسه مطبوعاتی شرق.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳). *المسائل الجارودية*، تحقیق: کاظم مدیر شانه‌چی، قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد، الطبعة الأولى.
- موسوی خوانساری، محمدباقر (۱۳۹۰). *روضات الجنات في احوال العلماء والسادات*، قم: اسماعیلیان، چاپ اول.
- موسوی نژاد، سید علی (۱۳۹۲). «تبارشناسی ناصر کبیر»، در: *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی ناصر کبیر و رسالت علمای اسلام در جهان امروز با تکیه بر آموزه‌های نهج‌البلاغه و صحیف سجادیه*، ص ۶۷-۱۲۰.

نگاهی نوبه منابع کهن در جست‌وجوی آثار و احوال ناصر کبیر / ۵۷

موسوی‌نژاد، سید علی (۱۳۸۷). «زیدیان شمال ایران در قرن هشتم هجری بر اساس نسخه‌ای تازه‌یاب»، در: *هفت آسمان*، س ۱۰، ش ۳۸، ص ۱۱۳-۱۳۸.

موسوی‌نژاد، سید علی؛ موسوی‌تینانی، سید اکبر (۱۳۹۴). «بررسی انتقادی دیدگاه‌ها درباره مذهب ناصر کبیر و خاندان او»، در: *تاریخ اسلام*، س ۱۶، ش ۲، ص ۵۵-۸۶.

مهدوی سعیدی لاهیجانی، محمد (بی‌تا). *سادات متقدمه گیلان*، بی‌جا: بی‌نا.

میراحمدی، سید علی (۱۳۹۳). ناصر کبیر و خدمات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و مذهب وی در شمال ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد فرق تشیع، استاد راهنما: سید علی موسوی‌نژاد، استاد مشاور: منصور داداش‌نژاد، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.

ناصر اطروش، حسن بن علی (۱۴۱۸). *البساط*، تحقیق: عبد‌الکریم احمد جدبان، صعده: مکتبه التراث الاسلامی.

ناصر اطروش، حسن بن علی (۱۴۲۳). *الإحتساب*، تحقیق: عبد‌الکریم احمد جدبان، صعده: مکتبه التراث الاسلامی.

نجاشی، احمد بن علی (۱۴۱۸). *کتاب الرجال*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ ششم. وجیه، عبد‌السلام بن عباس (۱۴۲۰). *أعلام المؤلفین الزیدیه*، عمان: مؤسسة الإمام زید بن علی الثقافیه، الطبعة الاولى.

هوسمی، محمد بن یعقوب (بی‌تا الف). *الإبانة*، تهران: کتاب‌خانه مرکزی دانشگاه تهران، ش ۶۶۲۳، کتابت سده دهم هجری.

هوسمی، محمد بن یعقوب (بی‌تا ب). *الإبانة*، تهران: مجلس شورای اسلامی، ش ۲۳۵ از مجموعه امام جمعه خوی، کتابت سده هشتم هجری؟.

هوسمی، محمد بن یعقوب (بی‌تا ج). *الإبانة*، دویلین: کتاب‌خانه چستریتی، ش ۳۱۸۸.

هوسمی، محمد بن یعقوب (بی‌تا د). *الإبانة*، قم: کتاب‌خانه مرعشی، ش ۹۱۸۹.

هوسمی، محمد بن یعقوب (بی‌تا ه). *شرح الإبانة*، یمن: تصویری از نسخه موجود در یکی از کتاب‌خانه‌های یمن.

